

[یک] 1

انشخص/هرم



Wikipedia - لیکس

1 [one]



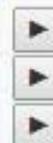
People



امن

امن و تو

هر دوی ما



(او) (مرد) he

آن مرد و آن زن he and she

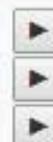
هر دوی آنها they both



آن مرد the man

آن زن the woman

آن کودک the child



یک خانواده a family

خانواده من my family

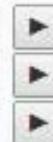
خانواده من اینجاست. My family is here.



امن اینجا هستم.

تو (مرد) اینجایی / تو (زن) اینجایی.

آن مرد اینجاست و آن زن اینجاست.



ما اینجا هستیم.

شما اینجا هستید.

همه آنها اینجا هستند.



[دو] 2

خانواده



Poster series LEARN ENGLISH - LERN DEUTSCH

2 [two]

Family Members ►

◀ نشان دالن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

پدربرگ the grandfather

مادربرگ the grandmother

او (پدربرگ) و او (مادربرگ) he and she



پدر the father

مادر the mother

او (پدر) و او (مادر) he and she



پسر the son

دختر the daughter

او (پسر) و او (دختر) he and she



برادر the brother

خواهر the sister

او (برادر) و او (خواهر) he and she



عمو، دایی the uncle

عممه، خاله the aunt

او (عمو، دایی) و او (خاله، عممه) he and she



ما یک خانواده هستیم. We are a family.

این خانواده کوچک نیست. The family is not small.

این خانواده بزرگ است. The family is big.



[س] 3

آشنایی شدن



3 [three]

Getting to know others



شنان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

سلام

Hello! روز بخرا!

حالت چطوره؟ / چطوری How are you?



شما از اروپا می‌آید؟ Do you come from Europe?

شما از امریکا می‌آید؟ Do you come from America?

شما از آسیا می‌آید؟ Do you come from Asia?



در کدام هتل اقامت دارید؟ In which hotel are you staying?

چند روز اقامت اینجا در اینجا می‌گذرد؟ How long have you been here for?

چند روز اینجا می‌مانید؟ How long will you be staying?



آن اینجا خوشان می‌آید؟ Do you like it here?

برای مسافرت اینجا هستید؟ / در تعطیلات هستید؟ Are you here on vacation?

سری به من بزندید! Please do visit me sometime!



این آدرس من است. Here is my address.

فردا همیگر را می‌بینیم؟ Shall we see each other tomorrow?

متاسفم، من کار دارم. I am sorry, but I already have plans.



خداحافظ! Bye!

خدا نگهدار! Good bye!

تا بعد! See you soon!





4 [چهار]

در مدرسه

4 [four]



At school



◀ نشان داشن و پنهان ▼ با کلیک بر روی هشتن

ما کجا هستیم؟ Where are we?

ما در مدرسه هستیم. We are at school.

ما کلاس داریم. We are having class / a lesson.



اینها دانش آموزان کلاس هستند. Those are the school children.

این خاتم معلم است. That is the teacher.

این کلاس است. That is the class.



چی کار کنیم؟ What are we doing?

ما درس می خوانیم. We are learning.

ما زبان پاد می گیریم. We are learning a language.



من انگلیسی پاد می گیرم. I learn English.

تو اسپانیایی پاد می گیری. You learn Spanish.

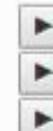
او (مرد) آلمانی پاد می گیرد. He learns German.



ما فرانسوی پاد می گیریم. We learn French.

شما ایتالیایی پاد می گیرید. You all learn Italian.

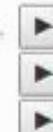
آنها روسی پاد می گیرند. They learn Russian.



یادگیری زبان، کار جالبی است. Learning languages is interesting.

ما می خواهیم حرفا های مردم را بفهمیم. We want to understand people.

ما می خواهیم با مردم صحبت کلیم. We want to speak with people.



5 [پنج]

کشورها و زیانها



5 [five]

Countries and Languages



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

John is from London.

London is in Great Britain.

او (مرد) انگلیسی صحبت می‌کند.



Maria is from Madrid.

Madrid is in Spain.

او اسپانیولی صحبت می‌کند.



Peter and Martha are from Berlin.

Berlin is in Germany.

هر دوی شما آلمانی صحبت می‌کنید؟



London is a capital city.

Madrid and Berlin are also capital cities.

تهرهای پایتخت، بزرگ و پر رودها هستند.



France is in Europe.

Egypt is in Africa.

Japan is in Asia.



Canada is in North America.

Panama is in Central America.

Brazil is in South America.



[ست] 6

خواندن و نوشتن



6 [six]

Reading and writing



◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی من

ا من می خوانم.

I read a letter (character).

I read a word.



I read a sentence.

I read a letter.

I read a book.



ا من می خوانم.

تو می خوانی.

او (مرد) می خواند.



ا من می نویسم.

I write a letter (character).

I write a word.



I write a sentence.

I write a letter.

I write a book.



ا من می نویسم.

تو می نویسی.

او (مرد) می نویسد.



[هفت] 7

اعداد



7 [seven] ►

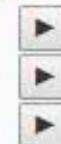
Numbers ►

شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

| من می‌شمارم:

one, two, three
یک، دو، سه

| من تا سه می‌شمارم.



| من بیشتر می‌شمارم:

four, five, six,
چهار، پنج، شش،

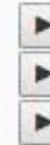
seven, eight, nine
هفت، هشت، نه



| من می‌شمارم.

You count.

(او) (مند) می‌شمارد.



یک، اول. One. The first.

دو، دوم. Two. The second.

سه، سوم. Three. The third.



چهار، چهارم. Four. The fourth.

پنج، پنجم. Five. The fifth.

شش، ششم. Six. The sixth.



هفت، هفتم. Seven. The seventh.

هشت، هشتم. Eight. The eighth.

نه، نهم. Nine. The ninth.



8 [هشت]

ساعت روز



8 [eight]



The time



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی هنر

محترم می خواهد!

What time is it, please?

بسیار سپاسگزارم / خیلی ممنون.



ساعت یک است.

ساعت دو است.

ساعت سه است.



ساعت چهار است.

ساعت پنج است.

ساعت شصت است.



ساعت هفت است.

ساعت هشت است.

ساعت نه است.



ساعت ده است.

ساعت پانزده است.

ساعت نوازده است.



یک دقیقه تیزیه است.

یک ساعت تیزیه است.

یک روز بیست و چهار ساعت است.



[۴] ۹

روزهای هفته



9 [nine]

Days of the week



شان دالن ف پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

دوشنبه Monday

سه شنبه Tuesday

چهارشنبه Wednesday



پنج شنبه Thursday

جمعه Friday

شنبه Saturday



یکشنبه Sunday

هفته the week

از برگشته تا یکشنبه from Monday to Sunday



اولین روز دوشنبه است.

دومین روز سه شنبه است.

سومین روز چهارشنبه است.

چهارمین روز پنج شنبه است.

پنجمین روز جمعه است.

ششمین روز شنبه است.



هشتمین روز یکشنبه است.

هفته هفت روز دارد.

ما فقط پنج روز کار می کنیم.



[دد] 10

دیروز - امروز - فردا



10 [ten]

Yesterday – today – tomorrow



شان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

دیروز شنبه بود.
Yesterday was Saturday.



I was at the cinema yesterday.
امروز من سینما بودم.

فیلم جالبی بود.
The film was interesting.



امروز پنجشنبه است.
Today is Sunday.

I'm not working today.
من امروز کار نمی‌کنم.



I'm staying at home.
من امروز در خانه می‌مانم (همم).

فردا شنبه است.
Tomorrow is Monday.

Tomorrow I will work again.
من فردا تواناره کار می‌کنم.



I work at an office.
من در اداره کار می‌کنم.

اين کيست؟ Who is that?

اين پيتر است.
That is Peter.

پيتر دانشجو است.
Peter is a student.



اين کيست؟ Who is that?

اين مارتا است.
That is Martha.

مارتا هنرمند است.
Martha is a secretary.



پيتر و مارتا با هم دوست هستند.
Peter and Martha are friends.

پيتر دوست پسر مارتا است.
Peter is Martha's friend.

مارتا دوست دختر پيتر است.
Martha is Peter's friend.



11 [یازده]

ماهها



11 [eleven] ►

Months ►

◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

January را تویه

February فوریه

March مارس



April اوریل

May مه

June رُوئن

▶ اینها شش ماه هستند.

▶ January, February, March,

▶ اوریل، مه، رُوئن.

July رُوئنیه

August آگوست (اوت)

September سیتمبر

October اکتبر

November نوامبر

December دسامبر

▶ اینها هم شش ماه هستند.

▶ July, August, September,

▶ اکتبر، نوامبر، دسامبر.

12 [دوازده]

نوشیدنیها



12 [twelve] ▶

Beverages ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I drink tea.

I drink coffee.

I drink mineral water.



تو چای را بالیمو می‌نوشی؟ Do you drink tea with lemon?

تو قهوه را با شکر می‌نوشی؟ Do you drink coffee with sugar?

تو آب را با یخ می‌نوشی؟ Do you drink water with ice?



اينجا يك مهماني است. There is a party here.

مردم شامپاین می‌نوشند. People are drinking champagne.

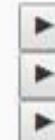
مردم شراب و آبجو می‌نوشند. People are drinking wine and beer.



تو الکل می‌نوشی؟ Do you drink alcohol?

تو ویسکی می‌نوشی؟ Do you drink whisky / whiskey (am.)?

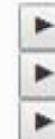
تو نوشابه را با رام می‌نوشی؟ Do you drink Coke with rum?



امن شامپاین دوست ندارم. I do not like champagne.

امن شراب دوست ندارم. I do not like wine.

امن آبجو دوست ندارم. I do not like beer.



بوجه تیر دوست دارد. The baby likes milk.

بوجه کاکائو و آب سیب دوست دارد. The child likes cocoa and apple juice.

آن ختم آب پرتقال و آب گریپ فروت دوست دارد. The woman likes orange and grapefruit juice.





◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

What does Martha do?
مارتا چه کار می‌کند؟She works at an office.
او در اداره کار می‌کند.She works on the computer.
او با کامپیوتر کار می‌کند.Where is Martha?
مارتا کجاست؟At the cinema.
در سینما.She is watching a film.
او فیلم نمایش می‌کند.What does Peter do?
پیتر چه کار می‌کند؟He studies at the university.
او در دانشگاه تحصیل می‌کند.He studies languages.
او در رشته زبان درس می‌خواند.Where is Peter?
پیتر کجاست؟At the café.
در کافه.He is drinking coffee.
او (مرد) قهوه می‌نوشد.Where do they like to go?
کجا دوست دارند بروند؟To a concert.
به کنسرت.They like to listen to music.
آنها دوست دارند موسیقی گوش کنند.Where do they not like to go?
آنها کجا دوست ندارند بروند؟To the disco.
به بیسکو.They do not like to dance.
آنها دوست ندارند برقصند.

[جهرده] 14

رنگ ها



14 [fourteen]

Colors



◀ نشان دادن و پیشان ▶ با کلیک بر روی متن

برف سفید است.

خورتید زرد است.

پرچال تارنجی است.



گیلاس قرمز است.

آسمان آبی است.

چمن سبز است.



خاک فهود ای است.

ابر خاکستری است.

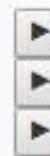
لاتیک خودروها سیاه است.



برف چه رنگی است؟ سفید.

خورتید چه رنگی است؟ زرد.

پرچال چه رنگی است؟ نارنجی.



گیلاس چه رنگی است؟ قرمز.

آسمان چه رنگی است؟ آبی.

علف چه رنگی است؟ سبز.



خاک چه رنگی است؟ فهود ای.

ابر چه رنگی است؟ خاکستری.

لاتیک خودروها چه رنگی است؟ سیاه.



[یازده] 15

میوه‌ها و مواد غذایی



15 [fifteen]



Fruits and food



شنان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I have a strawberry.



I have a kiwi and a melon.



I have an orange and a grapefruit.



I have an apple and a mango.



I have a banana and a pineapple.



I am making a fruit salad.



I am eating toast.



I am eating toast with butter.



I am eating toast with butter and jam.



I am eating a sandwich.



I am eating a sandwich with margarine.



I am eating a sandwich with margarine and tomatoes.



ما نان و برنج لازم داریم.



ما ماهی و استیک لازم داریم.



ما پیتزا و اسپاگتی لازم داریم.



نیگر جی لازم داریم؟



ما برای سوپ، هویج و گوجه فرنگی لازم داریم.



سوپ مارکت کجاست؟



16 [ستزده]

فصل های سال و آب و هوای



16 [sixteen]

Seasons and Weather



◀ شان دالن و پنهان ▼ با کلک بر روی متن

These are the seasons:

بهار، تابستان،

پائیز و زمستان.



تابستان گرم است.

در تابستان خورشید می درخشد.

در تابستان دوست داریم پیاده روی کنیم.



زمیان سرد است.

در زمستان برف یا باران می پارد.

در زمستان دوست داریم در خانه بمانیم.



هو سرد است.

باران می پارد.

بلد می وزد.



هو گرم است.

هو آفتابی است.

هو صاف است.



ها امروز چطور است؟ What is the weather like today?

امروز سرد است.

امروز گرم است.



17 [هنده]

در خانه



17 [seventeen]



Around the house



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

اینجا خانه ماست.



بالا یست بام است.



پائین زیرزمین است.



بیت خانه پک باع است.



جلوی خانه هیچ خیابانی نیست.



درختانی در کنار خانه هست.



آوارگمان من اینجاست.



اینجا آشیخانه و حمام است.



آنجا آنکه تسبیح و آنکه خواب است.



درب خانه (درب اصلی) بسته است.



اما پنجره‌ها باز هستند.



امروز خیلی گرم است.



ما به آنکه تسبیح می‌رویم.



پک کاتایه و یک مبل آنجا است.



بفرمایید!



کامپیوتر من آنجا است.



ستگاه استریوی من آنجا است.



تلوزیون کاملاً نو است.



18 [هجهه]

نظافت خانه



18 [eighteen]

House cleaning



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی هنر

امروز شنبه است.

We have time today.

امروز آپارتمان را تمیز می‌کنیم.



I am cleaning the bathroom.

شوهر اتومبیل را می‌شوید.

بچه‌ها دوچرخه‌ها را تمیز می‌کنند.



مادر بزرگ به گلهای آب می‌دهد.

بچه‌ها اتاقشان را تمیز می‌کنند.

شوهر میز تحریرش را مرتب می‌کند.



I am putting the laundry in the washing machine.

I am hanging up the laundry.

I am ironing the clothes.



پنجره‌ها کثیف هستند.

کف اتاق کثیف است.

ظرفها کثیف است.



کی پنجره‌ها را تمیز می‌کند؟ Who washes the windows?

کی جارو می‌کند؟ Who does the vacuuming?

کی ظرفها را می‌شوید؟ Who does the dishes?



19 [نوزده]

در آشپزخانه



19 [nineteen]

In the kitchen



◀ شان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

تو یک آشپزخانه جدید داری؟ Do you have a new kitchen?



امروز چی می خواهی بیزی؟ What do you want to cook today?



تو با اجاق برقی یا اجاق گاز غذا می بیزی؟ Do you cook on an electric or a gas stove?



پیازها را فاچ کنم؟ Shall I cut the onions?



سبزی ها را پوست بکنم؟ Shall I peel the potatoes?



کاهو را بشویم؟ Shall I rinse the lettuce?



لیوانها کجاست؟ Where are the glasses?



ظرفها کجاست؟ Where are the dishes?



فَاتق و چنگل و کارد کجا هست؟ Where is the cutlery / silverware (am.)?



قوطی بازکن داری؟ Do you have a tin opener / can opener (am.)?



درب بازکن بطری داری؟ Do you have a bottle opener?



چوب یتبه کشن داری؟ Do you have a corkscrew?



توی این قلیمه سوب می بیزی؟ Are you cooking the soup in this pot?



ماهی را توی این ماهی تبله سرخ می کنی؟ Are you frying the fish in this pan?



تو سبزی را با گریل کباب می کنی؟ Are you grilling the vegetables on this grill?



من میز را می چینم. I am setting the table.



کارد، چنگل و فاتق ها اینجا هستند. Here are the knives, the forks and the spoons.



لیوانها، بستقها و سکه ها اینجا هستند. Here are the glasses, the plates and the napkins.



[بیست] 20

گفتگوی کوتاه ۱



20 [twenty]



Small Talk 1



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی هنر ◀

راحت باید! Make yourself comfortable!

منزل خودتان است. Please, feel right at home!

چه میل دارید بنوشید؟ What would you like to drink?



موسیقی دوست دارد؟ Do you like music?

من موسیقی کلاسیک دوست دارم.

اینها سی دی‌های من هستند. These are my CD's.



تماساز می‌زنید؟ Do you play a musical instrument?

این گیتار من است. This is my guitar.

تما نوست دارید آواز بخوانید؟ Do you like to sing?



شما بچه دارید؟ Do you have children?

شما سگ دارید؟ Do you have a dog?

شما گربه دارید؟ Do you have a cat?



اینها کتاب‌های من هستند. These are my books.

من الان دارم این کتاب را می‌خوانم. I am currently reading this book.

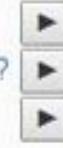
دوست دارید چیزی بخونید؟ What do you like to read?



دوست دارید به کنسرت بروید؟ Do you like to go to concerts?

دوست دارید به تئاتر بروید؟ Do you like to go to the theatre / theater (am.)?

دوست دارید به ایرا بروید؟ Do you like to go to the opera?



21 [بیست و یک]

گفتگوی کوتاه 2



21 [twenty-one] ▶

Small Talk 2 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

شما از کجا می‌آید؟ Where do you come from?

از بازل.

بازل در سوئیس است.



می‌توانم آقای مولر را به شما معرفی کنم؟ May I introduce Mr. Miller?

او خارجی است.

او به چندین زبان صحبت می‌کند.



شما برای اولین بار اینجا هستید؟ Are you here for the first time?

نه، من سال گذشته هم اینجا بودم.

اما فقط یک هفته.



از اینجا خوشکن می‌آید؟ How do you like it here?

خیلی خوب است. مردم خیلی مهربان هستند.

و از مناظر اینجا هم خوش می‌آید.



شغل شما چیست؟ What is your profession?

من مترجم هستم.

من کتاب ترجمه می‌کنم.



شما اینجا تنها هستید؟ Are you alone here?

نه، خانم / شوهرم هم اینجاست.

و آنها هم دو فرزند من هستند.



22 [بیست و دو]

گفتگوی کوتاه 3



22 [twenty-two] ▶

Small Talk 3 ▶

◀ شان داشن و پنهان ▶ با کلیک بر روی من

شما سیگار می‌کشید؟ Do you smoke?

در گذشته، بله I used to.

اما حالا نیز سیگار نمی‌کشم. But I don't smoke anymore.



◀ Does it disturb you if I smoke? ▶

نه، مطلقاً نه. No, absolutely not.

من را ناراحت نمی‌کند. It doesn't disturb me.



◀ Will you drink something? ▶

پک گیرانس کنیاک؟ A brandy?

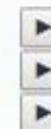
نه، ترجیح می‌دهم آبجو بنوشم. No, preferably a beer.



◀ Do you travel a lot? ▶

بله، البته اکثر سفرهای کاری است. Yes, mostly on business trips.

اما حالا اینجا تعطیلاتمان را می‌گذرانیم. But now we're on holiday.



◀ اینجا چقدر گرم است. ▶

بله امروز واقعاً خیلی گرم است. Yes, today it's really hot.

برویم روی بالکن. Let's go to the balcony.



◀ There's a party here tomorrow. ▶

شما هم می‌آید؟ Are you also coming?

بله، ما هم دعوت شده‌یم. Yes, we've also been invited.



[بیست و سه] 23

یادگیری زبانهای خارجی



23 [twenty-three]

Learning foreign languages



شنیدن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Where did you learn Spanish?

پرتغالی هم بله؟

Yes, and I also speak some Italian.

ا به نظر من تما خیلی خوب صحبت می کنید.

The languages are quite similar.

من آنها (زبانها) را خوب می توانم.

اما صحبت کردن و نوشتن مشکل است.

من هنوز خیلی انتباہ می کنم.

Please correct me each time.

تلفظ شما خیلی خوب است.

فقط کمی لهجه دارد.

می توان فهمید اهل کجا هستند.

زبان مادری شما چیست؟

شما به کلاس زبان می روید؟

از کدام کتاب درسی استفاده می کنید؟

ا الان نمی دانم اسم آن چیست.

عنوان کتاب دادم نمی آید.

نام آن را فراموش کرده ام.

24 [تیز و چهار]

قرار ملاقات



24 [twenty-four] ►

Appointment ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Did you miss the bus?

I waited for you for half an hour.

Don't you have a mobile / cell phone (am.) with you?



دفعه بیگر وقت شناس باش!

Take a taxi next time!

Take an umbrella with you next time!



فردا تعطیل هستم.

Shall we meet tomorrow?

I'm sorry, I can't make it tomorrow.



این آخر هفته برنامه ای داری؟

Or do you already have an appointment?

I suggest that we meet on the weekend.



Shall we have a picnic?

Shall we go to the beach?

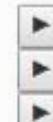
Shall we go to the mountains?



من درب اداره (بیرون از اداره) نتابت می‌آم.

من درب خانه نتابت می‌آم.

I will pick you up at the bus stop.



25 [بیست و پنج]

در شهر



25 [twenty-five] ►

In the city ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I من می خواهم به ایستگاه قطار بروم.



I would like to go to the station.



I من می خواهم به فرودگاه بروم.



I would like to go to the airport.

I من می خواهم به مرکز شهر بروم.

I would like to go to the city centre / center (am.).

I من می خواهم به مرکز شهر بروم.

I would like to go to the city centre / center (am.).

I من می خواهم به مرکز شهر بروم.

I would like to go to the city centre / center (am.).

I من احتیاج به یک تاکسی دارم.



I من احتیاج به یک نقشه دارم.



I من به یک هتل احتیاج دارم.



I من می خواهم یک اتومبیل کرایه کنم.



این کارت اعتباری من است.



این گواهی نامه رانندگی من است.



در این شهر چه جاذیتی برای دیدن وجود دارد؟



به بافت قدیم شهر بروید.



با تور در شهر بگردید.



به بندر بروید.



با تور گشتی در بندر بزید.



آیا بینی های دیگری هم هست؟



26 [بیست و شش]

در طبیعت



26 [twenty-six] ▶

In nature ▶

◀ شان دان و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

آن برج را آنجا می‌بینی؟ Do you see the tower there?



آن کوه را آنجا می‌بینی؟ Do you see the mountain there?



آن دهکده را آنجا می‌بینی؟ Do you see the village there?



آن رودخانه را آنجا می‌بینی؟ Do you see the river there?



آن پل را آنجا می‌بینی؟ Do you see the bridge there?



آن دریاچه را آنجا می‌بینی؟ Do you see the lake there?



| من از آن پرنده خوستم می‌آید. I like that bird.



| از آن درخت خوستم می‌آید. I like that tree.



| از این سنگ خوستم می‌آید. I like this stone.



| از آن پارک خوستم می‌آید. I like that park.



| از آن باغ خوستم می‌آید. I like that garden.



| از این گل خوستم می‌آید. I like this flower.



| به نظر من آن زیباست. I find that pretty.



| به نظر من آن جالب است. I find that interesting.



| به نظر من آن سیار زیباتر است. I find that gorgeous.



| به نظر من آن زیست است. I find that ugly.



| به نظر من کل کنده است. I find that boring.



| به نظر من وحشتناک است. I find that terrible.





◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلک بر روی متن

اتاق خالی دارید؟ Do you have a vacant room?



من یک اتاق رزرو کرده ام.



اسم من مولر است.



I من احتیاج به یک اتاق یک نخنے دارم.



I من احتیاج به یک اتاق دو نخنے دارم.



اتاق شبی چند است؟ What does the room cost per night?



پک اتاق با حمام می خواهم.



پک اتاق با دوش می خواهم.



می توانم اتاق را ببینم؟ Can I see the room?



Is there a garage here? اینجا پارکینگ (گاراز) دارد؟



Is there a safe here? اینجا گار صندوق دارد؟



Is there a fax machine here? اینجا فاکس دارد؟



Fine, I'll take the room. خوبی خوب، من اتاق را می گیرم.



کلید ها اینجا هستند.



Here is my luggage. چمدان من اینجاست.



What time do you serve breakfast? ساعت چند صبحانه سرو می شود؟



What time do you serve lunch? ساعت چند ظهر سرو می شود؟



What time do you serve dinner? ساعت چند شام سرو می شود؟





◀ شان دالن و پنهان ▼ با کلیک بر روی هنن

دوش کار نمی کند (دوش خراب است). The shower isn't working.

آب گرم نمی آید. There is no warm water.

می توانید کسی را برای تعمیر آن بفرستید؟ Can you get it repaired?



انق تلفن ندارد. There is no telephone in the room.

انق تلویزیون ندارد. There is no TV in the room.

انق بدون بالکن است. The room has no balcony.



انق خیلی سروصدا نارد. The room is too noisy.

انق خیلی کوچک است. The room is too small.

انق خیلی تاریک است. The room is too dark.



شوفاز کار نمی کند (شوفاز خراب است). The heater isn't working.

ستگاه نیوبیه کار نمی کند. The air-conditioning isn't working.

تلویزیون خراب است. The TV isn't working.



امن از این خوستم نمی آید. I don't like that.

این برای من خیلی گران است. That's too expensive.

چیز ارزان تری ندارید؟ Do you have anything cheaper?



در این نزدیکی خوابگاهی هست؟ Is there a youth hostel nearby?

در این نزدیکی پاسیون هست؟ Is there a boarding house / a bed and breakfast nearby?

در این نزدیکی رستوران هست؟ Is there a restaurant nearby?



29 [بیست و نه]

درستوران ۱



29 [twenty-nine]

At the restaurant 1



نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

آیا این میز خالی است؟ Is this table taken?



لطفاً لیست غذا را به من بدهید.

نوصیه شما چیست؟ What would you recommend?

پک آجر می خواهم.

پک آب معدنی می خواهم.

پک آب پرتقال می خواهم.



پک قهوه می خواهم.

پک قهوه با شیر می خواهم.

با شکر، لطفاً With sugar, please.



من چای می خواهم.

من چای با لیمو می خواهم.

من چای با شیر می خواهم.



سیگار دارید؟ Do you have cigarettes?

زیرسیگاری دارید؟ Do you have an ashtray?

کبریت/فندک دارید؟ Do you have a light?



من چندل ندارم.

من کارد ندارم.

من فلش ندارم.



30 [سی]

در رستوران ۲



30 [thirty]

At the restaurant 2



◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

بک آپ سب سیب لطفاً An apple juice, please.

بک لیموناد لطفاً A lemonade, please.

بک آپ گوجه فرنگی لطفاً A tomato juice, please.



I'd like a glass of red wine.

I'd like a glass of white wine.

I'd like a bottle of champagne.



ماهی دوست داری؟ Do you like fish?

گوشت گاو دوست داری؟ Do you like beef?

گوشت خوک دوست داری؟ Do you like pork?



من بک غذای بدون گوشت می خواهم. I'd like something without meat.

من بک هرچه سبزی می خواهم. I'd like some mixed vegetables.

غذایی می خواهم که تیمه آن زیاد طول نکشد. I'd like something that won't take much time.



غذا را با برنج می خواهد؟ Would you like that with rice?

غذا را با ماکارونی می خواهد؟ Would you like that with pasta?

غذا را با سب زمینی می خواهد؟ Would you like that with potatoes?



غذا خوشمزه نیست. That doesn't taste good.

غذا سرد است. The food is cold.

من این غذا را سفارش ندادم. I didn't order this.



[سی و یک] 31

در رستوران 3



31 [thirty-one]

At the restaurant 3



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

امن یک پیش خذا می خواهم. I would like a starter.

امن یک سالاد می خواهم. I would like a salad.

امن یک سوپ می خواهم. I would like a soup.



امن یک دسر می خواهم. I would like a dessert.

امن یک بستنی با خامه می خواهم. I would like an ice cream with whipped cream.

امن میوه یا یونیر می خواهم. I would like some fruit or cheese.

ما می خواهیم صبحانه بخوریم. We would like to have breakfast.

ما می خواهیم ناهار بخوریم. We would like to have lunch.

ما می خواهیم شام بخوریم. We would like to have dinner.



شما صبحانه چی میل دارید؟ What would you like for breakfast?

نان با مریبا و عسل؟ Rolls with jam and honey?

نان تست با سوسیس و یونیر؟ Toast with sausage and cheese?

یک تخم مرغ یعنی؟ A boiled egg?

یک تخم مرغ نیمرود؟ A fried egg?

یک املت؟ An omelette?



لطفاً یک ماست دیگر بیاورید. Another yoghurt, please.

لطفاً باز هم نمک و فلفل بیاورید. Some salt and pepper also, please.

لطفاً یک لیوان آب دیگر هم بیاورید. Another glass of water, please.

32 [سی و دو]

در رستوران 4



32 [thirty-two]

At the restaurant 4



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

یک یوس سب زمینی سرخ کرده با کچاپ. I'd like chips / French fries (am.) with ketchup.



دو یوس سب زمینی سرخ کرده با سس مایونز. And two with mayonnaise.



و سه یوس سوسیس سرخ کرده با خردل. And three sausages with mustard.



چه نوع سبزی دارید؟ What vegetables do you have?



لوبیا دارید؟ Do you have beans?



گل کلم دارید؟ Do you have cauliflower?



من دوست دارم ذرت بخورم. I like to eat (sweet) corn.



من دوست دارم خیار بخورم. I like to eat cucumber.



من دوست دارم گوجه فرنگی بخورم. I like to eat tomatoes.



بیازجه دوست دارید؟ Do you also like to eat leek?



ترسی کلم دوست دارید؟ Do you also like to eat sauerkraut?



عدس دوست دارید؟ Do you also like to eat lentils?



هیوچ دوست داری؟ Do you also like to eat carrots?



بروکلی دوست داری؟ Do you also like to eat broccoli?



فلفل هم دوست داری؟ Do you also like to eat peppers?



من بیاز دوست ندارم. I don't like onions.



من زیتون دوست ندارم. I don't like olives.



من قارچ دوست ندارم. I don't like mushrooms.



[سی و سه] 33

در ایستگاه قطار



33 [thirty-three]

At the train station



◀ نشان دهن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

قطار بعدی کی به برلین می‌رود؟ When is the next train to Berlin?



قطار بعدی کی به پاریس می‌رود؟ When is the next train to Paris?



قطار بعدی کی به لندن می‌رود؟ When is the next train to London?



قطار ورشو ساعت چند حرکت می‌کند؟ When does the train for Warsaw leave?



قطار استکهلم ساعت چند حرکت می‌کند؟ When does the train for Stockholm leave?



قطار بوداپست ساعت چند حرکت می‌کند؟ When does the train for Budapest leave?



من یک بلیط برای مادرید می‌خواهم. I'd like a ticket to Madrid.



من یک بلیط برای پراگ می‌خواهم. I'd like a ticket to Prague.



من یک بلیط برای برن می‌خواهم. I'd like a ticket to Bern.



قطار کی به وین می‌رسد؟ When does the train arrive in Vienna?



قطار کی به مسکو می‌رسد؟ When does the train arrive in Moscow?



قطار کی به آمستردام می‌رسد؟ When does the train arrive in Amsterdam?



باید قطار را عوض کنم؟ Do I have to change trains?



قطار از کدام سکو حرکت می‌کند؟ From which platform does the train leave?



آیا قطار کویه خواب دارد؟ Does the train have sleepers?



من فقط بلیط رفت به بروکسل را می‌خواهم. I'd like a one-way ticket to Brussels.



یک بلیط برگشت به کپنهاگ می‌خواهم. I'd like a return ticket to Copenhagen.



قیمت بلیط قطار در کویه خواب چند است؟ What does a berth in the sleeper cost?



34 [سی و چهار]

در قطار



34 [thirty-four] ▶

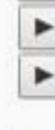
On the train ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

این قطار به برلین می‌رود؟ Is that the train to Berlin?



قطار کی حرکت می‌کند؟ When does the train leave?



کی قطار به برلین می‌رسد؟ When does the train arrive in Berlin?



بیخندید، اجازه هست عبور کنم (رد شوم)؟ Excuse me, may I pass?



افکر می‌کنم اینجا جای من است.



افکر می‌کنم شما روی صندلی من نشسته‌اید.



کویه خواب کجا است؟ Where is the sleeper?



کویه خواب در انتهای قطار است.



و رستوران قطار کجاست؟ در ابتدای قطار.



می‌توانم زیرین بخوابم؟ Can I sleep below?



می‌توانم وسط بخوابم؟ Can I sleep in the middle?



می‌توانم بالا بخوابم؟ Can I sleep at the top?



کی به مرز می‌رسیم؟ When will we get to the border?



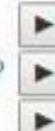
سفر به برلین چقدر طول می‌کند؟ How long does the journey to Berlin take?



قطار تأخیر دارد؟ Is the train delayed?



جزیی برای خواندن دارید؟ Do you have something to read?



ابنجامی سود خوراکی یا نوشیدنی بیدا کرد؟ Can one get something to eat and to drink here?



می‌توانم اسک مرا ساعت 7 بیدار کنید؟ Could you please wake me up at 7 o'clock?

35 [سی و پنجم]

در فرودگاه



35 [thirty-five]

At the airport

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

من می خواهم یک پرواز به آتن رزرو کنم.

Is it a direct flight?

لطفاً یک صندلی کنار پنجره برای غیر سیگاری ها.

I would like to confirm my reservation.

I would like to cancel my reservation.

I would like to change my reservation.

پرواز بعدی به رم چه زمانی است؟

آیا دو جای (صندلی) دیگر خالی است؟

نه، ما فقط یک جای خالی داریم.

کی فرود می آید؟

کی به مقصد می رسیم؟

کی اتوبوس به مرکز تهران می رود؟

این چمدان شماست؟

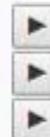
این کیف شماست؟

این وسایل (سفر) شماست؟

چه مقدار بار می توانم با خود ببرم؟

بیست کیلو.

چی، فقط بیست کیلو؟



36 [سی و شش]

حمل و نقل عمومی / عبور و مرور درون شهری



36 [thirty-six]

Public transportation

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن Where is the bus stop?

◀ کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟ Which bus goes to the city centre / center (am.)?

◀ کدام خط (جهه اتوبوسی) باید سوار شوم؟ Which bus do I have to take?

◀ باید اتوبوس عوض کنم؟ Do I have to change?

◀ کجا باید اتوبوس را عوض کنم؟ Where do I have to change?

◀ قیمت یک بلیط چند است؟ How much does a ticket cost?

◀ کامراز تهر جند ایستگاه است؟ How many stops are there before downtown / the city centre?

◀ شما باید اینجا بیاده شوید. You have to get off here.

◀ شما باید از قسمت عقب ماتین بیاده شوید. You have to get off at the back.

◀ متروی (زیرزمینی) بعدی ۵ دقیقه بیگر می‌آید. The next train is in 5 minutes.

◀ تراموای بعدی ۱۰ دقیقه بیگر می‌آید. The next tram is in 10 minutes.

◀ اتوبوس بعدی ۱۵ دقیقه بیگر می‌آید. The next bus is in 15 minutes.

◀ آخرین مترو (زیرزمینی) کی حرکت می‌کند؟ When is the last train?

◀ آخرین تراموا کی حرکت می‌کند؟ When is the last tram?

◀ آخرین اتوبوس کی حرکت می‌کند؟ When is the last bus?

◀ شما بلیط دارید؟ Do you have a ticket?

◀ بلیط؟ نه ندارم. A ticket? – No, I don't have one.

◀ پس باید جریمه بپردازید. Then you have to pay a fine.

37 [سی و هفت]

در راه



◀ نشن دان و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

او (مرد) با موتورسیکلت حرکت می‌کند.
He drives a motorbike.

او (مرد) با دوچرخه حرکت می‌کند.
He rides a bicycle.

او (مرد) پیاده می‌رود.
He walks.

37 [thirty-seven] ►

En route



او (مرد) با کشتی حرکت می‌کند.
He goes by ship.

او (مرد) با قایق حرکت می‌کند.
He goes by boat.

او (مرد) شنا می‌کند.
He swims.



اینجا جای خطرناک است؟ Is it dangerous here?

آیا تهابی قدم زدن خطرناک است؟ Is it dangerous to hitchhike alone?

آیا پیاده روی در شب خطرناک است؟ Is it dangerous to go for a walk at night?



ماراد را (با ماتین) اشتباه رفته ایم.
We got lost.

ما در مسیر اشتباه هستیم.
We're on the wrong road.

ما باید برعکس دیم.
We must turn around.



اينجا كجا می‌شود يارك کرد؟ Where can one park here?

آیا اينجا ياركينگ هست؟ Is there a parking lot here?

جيڪر می‌شود اينجا يارك کرد؟ How long can one park here?



شما اسکی می‌کنید؟ Do you ski?

باتله سير (بالاير اسکي) بالا می‌رويد؟ Do you take the ski lift to the top?

آيا می‌شود اينجا جوب اسکی کرايه کرد؟ Can one rent skis here?



38 [سی و هشت]

در تاکسی



38 [thirty-eight] ▶

In the taxi ▶

◀ شنن داین و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

لطفاً یک تاکسی صدا کنید.



What does it cost to go to the station?



What does it cost to go to the airport?



لطفاً مستقیم بروید.



Please turn right here.



Please turn left at the corner.



من عجله دارم.



I have time.



لطفاً آهشه نر براند.



لطفاً اینجا توقف کنید.



Please wait a moment.



I'll be back immediately.



لطفاً یک فیض رسید به من بدهد.



I have no change.



درست است، بقیه یول برای خونتان.



مرا به این آدرس ببرید.



Drive me to my hotel.



مرا (با ماشین) به ساحل ببرید.



39 [سی و نه]

خرابی ماتین



39 [thirty-nine] ►

Car breakdown ►

◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Where is the next gas station?
نزدیکترین پمپ بنزین بعدی کجاست؟

I have a flat tyre / tire (am.).
لاستیکم بجز شده است.

Can you change the tyre / tire (am.)?
میتوانید چرخ ماتین را عوض کنید؟

I need a few litres / liters (am.) of diesel.
من چند لیتر گازوئیل احتیاج دارم.

I have no more petrol / gas (am.).
من نیگر بنزین ندارم.

Do you have a petrol can / jerry can / gas can (am.)?
گالان بنزین همراه دارید؟

Where can I make a call?
کجا میتوانم تلفن بزنم؟

I need a towing service.
من احتیاج به ماتین امداد خودرو (جهت بوکسل کردن) دارم.

I'm looking for a garage.
من نیماں پک تعمیرگاه هستم.

An accident has occurred.
پک تصادف شده است.

Where is the nearest telephone?
باجه تلفن نزدیکی کجاست؟

Do you have a mobile / cell phone (am.) with you?
تلفن همراه دارید؟

We need help.
ما احتیاج به کمک داریم.

Call a doctor!
پک دکتر صدا کنید!

Call the police!
پلیس را خبر کنید!

Your papers, please.
مدارکتان لطفاً.

Your licence / license (am.), please.
لطفاً گواهنامه ئان را نشان دهيد.

Your registration, please.
لطفاً کارت خودرویکان را نشان دهيد.

40 [چهل]

سوال پرسی در مورد مسیر حرکت



40 [forty]

Asking for directions



شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی هنن

مhydrat می خواهم! Excuse me!

می توانید به من کمک کنید؟ Can you help me?

در این اطراف رستوران خوبی هست؟ Is there a good restaurant around here?



سر نش، سمت چپ بروید. Take a left at the corner.

بعد یک مقدار مستقیم بروید. Then go straight for a while.

بعد صد متر به طرف راست بروید. Then go right for a hundred metres / meters (am.).



با اتوبوس هم می توانید بروید. You can also take the bus.

با مترو هم می توانید بروید. You can also take the tram.

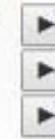
اصلًا می توانید پشت سر من حرکت کنید. You can also follow me with your car.



چطور به استادیوم فوتبال بروم؟ How do I get to the football / soccer (am.) stadium?

از پل عبور کنید / پل را رد کنید. Cross the bridge!

از تونل عبور کنید / تونل را رد کنید. Go through the tunnel!



کامین جراغ راهنمای بروید. Drive until you reach the third traffic light.

سیم اولین خیابان به سمت راست بروید. Then turn into the first street on your right.

و از چهارراه بعدی عبور کنید. Then drive straight through the next intersection.



ببخشید، چطور به فرودگاه بروم؟ Excuse me, how do I get to the airport?

بهترین راه این است که با مترو بروید. It is best if you take the underground / subway (am.).

کامین ایستگاه بروید. Simply get out at the last stop.



41 [چهل و یک]

جهت یابی



41 [forty-one] ▶

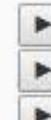
Where is ... ? ▶

◀ نشان دهن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Where is the tourist information office? دفتر اطلاعات گردشگری کجاست؟

Do you have a city map for me? چک نقطه شهری (برای من) دارید؟

Can one reserve a room here? اینجا می‌شود یک اتاق در هتل رزرو کرد؟



Where is the old city? بافت قدیم شهر کجاست؟

Where is the cathedral? کلیساي جامع کجاست؟

Where is the museum? موزه کجاست؟



Where can one buy stamps? کجا می‌شود تمبر خرید؟

Where can one buy flowers? کجا می‌شود گل خرید؟

Where can one buy tickets? کجا می‌شود بلیط خرید؟



Where is the harbour / harbor (am.)? بندر کجاست؟

Where is the market? بازار کجاست؟

Where is the castle? قلعه کجاست؟



When does the tour begin? تور بازدید کی شروع می‌شود؟

When does the tour end? تور بازدید کی تمام می‌شود؟

How long is the tour? تور بازدید چقدر طول می‌کند؟



I would like a guide who speaks German. من یک راهنمایی خواهم که آلمانی صحبت کند.

I would like a guide who speaks Italian. من یک راهنمایی خواهم که ایتالیایی صحبت کند.

I would like a guide who speaks French. من یک راهنمایی خواهم که فرانسوی صحبت کند.



42 [چهل و دو]

بازدید از شهر



42 [forty-two] ▶

City tour ▶

شنان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

بازار یکشنبه‌ها باز است؟ Is the market open on Sundays?



تمالیشگاه دوشنبه‌ها باز است؟ Is the fair open on Mondays?



نمایشگاه (گالری) سه شنبه‌ها باز است؟ Is the exhibition open on Tuesdays?



باغ وحش چهارشنبه‌ها باز است؟ Is the zoo open on Wednesdays?



موزه یتیج شنبه‌ها باز است؟ Is the museum open on Thursdays?



گالری جمعه‌ها باز است؟ Is the gallery open on Fridays?



عکس گرفتن مجاز است؟ Can one take photographs?



بلد ورودی دارد؟ Does one have to pay an entrance fee?



بلیط ورودی چند است؟ How much is the entrance fee?



آیا برای گروه‌ها تخفیف می‌دهند؟ Is there a discount for groups?



آیا برای بچه‌ها تخفیف می‌دهند؟ Is there a discount for children?



آیا به دانشجوها تخفیف می‌دهند؟ Is there a discount for students?



این چه چور ساخته‌ای است؟ What building is that?



قدمت این بنا چقدر است؟ How old is the building?



کی این ساختمان را بنا کرده است (ساخته است)؟ Who built the building?



من به معماری علاقه مندم. I'm interested in architecture.



من علاقه مند به هنر هستم. I'm interested in art.



من علاقه مند به نقاشی هستم. I'm interested in paintings.



43 [چهل و سه]

در باغ وحش



43 [forty-three] ►

At the zoo



تشریفاتی داشتن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

آنجا باغ وحش است.

زرافه‌ها آنجا هستند.

فیلم خرسها کجا است؟



فیلم فیل‌ها کجا است؟

فیلم مارها کجا است؟

فیلم تیرها کجا است؟



من یک دوربین عکاسی دارم.

من یک دوربین فیلم برداری هم دارم.

کجا می‌توانم باطری بیدا کنم؟



فیلم پنگوئن‌ها کجا است؟

فیلم کانگوروها کجا است؟

فیلم کرگن‌ها کجا است؟



تولت کجاست؟ Where is the toilet / restroom (am.)?

آنجا یک کافه است.

آنجا یک رستوران است.



فیلم شترها کجا است؟

فیلم گوریلها و گورخرها کجا است؟

فیلم ببرها و نیساجها کجا است؟



44 [چهل و چهار]
گردش عصر (شب)



44 [forty-four]

Going out in the evening



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

آیا اینجا دیسکو هست؟ Is there a disco here?

آیا اینجا کاپاره هست؟ Is there a nightclub here?

آیا اینجا بار هست؟ Is there a pub here?



امتنب بر نامه تئاتر جوست؟ What's playing at the theatre / theater (am.) this evening?

بر نامه امتنب سینما جوست؟ What's playing at the cinema / movies (am.) this evening?

امتنب تلویزیون جی نشان می دهد؟ What's on TV this evening?



ه نوز بلیط شان دارند؟ Are tickets for the theatre / theater (am.) still available?

ه نوز بلیط سینما دارند؟ Are tickets for the cinema / movies (am.) still available?

ه نوز بلیط برای فوتبال دارند؟ Are tickets for the football / soccer am. game still available?



من دوست دارم کاملاً عصب بنشینم.

من دوست دارم یک جایی در وسط بنشینم.

من دوست دارم کاملاً جلو بنشینم.



می توانید چیزی به من توصیه کنید؟ Could you recommend something?

تمییز چه موقع شروع می شود؟ When does the show begin?

می توانید برای من یک بلیط بگیرید؟ Can you get me a ticket?



آیا این نزدیکی ها، زمین گلف هست؟ Is there a golf course nearby?

آیا این نزدیکی ها، زمین تنیس هست؟ Is there a tennis court nearby?

آیا این نزدیکی ها، استخر سریوتیده هست؟ Is there an indoor swimming pool nearby?



45 [چهل و پنجم]

در سینما



45 [forty-five]

At the cinema

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

ما می خواهیم به سینما برویم.
We want to go to the cinema.

امروز فیلم خوبی روی پرده است.
A good film is playing today.

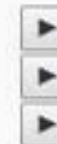
این فیلم کاملاً جدید است.
The film is brand new.



گیشه فروش بلیط کجاست؟ Where is the cash register?

هنوز صندلی خالی وجود دارد؟ Are seats still available?

قیمت بلیط چند است؟ How much are the admission tickets?



نمایش فیلم کی شروع می شود؟ When does the show begin?

نمایش فیلم چقدر طول می کشد؟ How long is the film?

آیا می شود بلیط رزرو کرد؟ Can one reserve tickets?



من نوست دارم عقب بنشیم. I want to sit at the back.

من نوست دارم جلو بنشیم. I want to sit at the front.

من نوست دارم وسط بنشیم. I want to sit in the middle.



فیلم مهیج بود. The film was exciting.

فیلم خنکه کننده نبود. The film was not boring.

اما کتاب مربوط به این فیلم بهتر بود. But the book on which the film was based was better.



موسیقی چطور بود؟ How was the music?

هنریته ها چطور بودند؟ How were the actors?

آیا زیرنویس انگلیسی داشت؟ Were there English subtitles?



46 [چهل و شش]

در دیسکو



46 [forty-six]

In the discotheque



◀ شان دالن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is this seat taken?



اجازه هست کنار شما بنشیم؟



با کمال میل.



How do you like the music?



صدای آن یک کم (بیش از حد) بلند است.



اما گروه موسیقی کارش را نسبتاً خوب النجام می‌دهد.



شما زیاد اینجا می‌آید؟



نه، این اولین بار است.



من نیاید اینجا نیامدم.



شما می‌رقصید؟



می‌دانم.



I can't dance very well.



خیلی ساده است.



I'll show you.



نه، ترجیح می‌دهم پک وقت دیگر برقصم.



Are you waiting for someone?



بله، منتظر دوست پسرم هستم.



آنجاست، دارد می‌آید!



[چهل و هفت] 47

تدارک سفر



47 [forty-seven]

Preparing a trip



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

نو باید چمدانمان را بیندی! You have to pack our suitcase!

نماید چیزی را فراموش نکن! Don't forget anything!

پک چمدان بزرگ لازم داری! You need a big suitcase!

پاسپورت را فراموش نکن. Don't forget your passport!

بلیط هوایما را فراموش نکن. Don't forget your ticket!

چک های مسافرتی را فراموش نکن. Don't forget your traveller's cheques / traveler's checks (am.)!

کرم ضدآفتاب را بردار. Take some suntan lotion with you.

عینک آفتابی را بردار. Take the sun-glasses with you.

کلاه آفتاب گیر را بردار. Take the sun hat with you.

می خواهی نقشه خیابانها را با خود ببری؟ Do you want to take a road map?

می خواهی یک کتابچه راهنمای سفر با خود ببری؟ Do you want to take a travel guide?

می خواهی یک چتر با خود ببری؟ Do you want to take an umbrella?

تلوار، پیراهن و جوراب ها را بادت ترود. Remember to take pants, shirts and socks.

کراوات، کمرنده و کت ها را بادت ترود. Remember to take ties, belts and sports jackets.

لباس خواب، پیراهن شب و تی شرت ها را بادت ترود. Remember to take pyjamas, nightgowns and t-shirts.

نو کفش، سندل و چکمه لازم داری. You need shoes, sandals and boots.

نو دستمال کاغذی، صابون و ناخن گیر لازم داری. You need handkerchiefs, soap and a nail clipper.

نو پک شانه، یک مسواک و خمیر دندان لازم داری. You need a comb, a toothbrush and toothpaste.

[چهل و هشت] 48

فعالیت های تعطیلاتی



48 [forty-eight]

Vacation activities



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

ساحل تمیز است؟

Is the beach clean?

آیا می‌شود اینجا شنا کرد؟

Can one swim there?

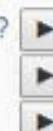
آیا می‌شود اینجا شنا کرد؟

Isn't it dangerous to swim there?



آیا می‌شود اینجا چتر آفتابی کرایه کرد؟

Can one rent a sun umbrella / parasol here?



آیا می‌شود اینجا صندلی راحتی کرایه کرد؟

Can one rent a deck chair here?



آیا می‌شود اینجا قایق کرایه کرد؟

Can one rent a boat here?



آیا می‌خواهم موج سواری کنم.

I would like to surf.



آیا می‌خواهم غواصی کنم.

I would like to dive.



آیا می‌خواهم اسکی روی آب بروم.

I would like to water ski.



آیا می‌شود تخته موج سواری کرایه کرد؟

Can one rent a surfboard?



آیا می‌شود وسایل غواصی کرایه کرد؟

Can one rent diving equipment?



آیا می‌شود جوب اسکی روی آب کرایه کرد؟

Can one rent water skis?



من فقط یک هشتمی هستم.

I'm only a beginner.



من با آن آشنایی دارم.

I'm moderately good.



من در این مورد شنیده وارد هستم.

I'm pretty good at it.



نه اسکی (بالایر اسکی) کجاست؟

Where is the ski lift?



تو وسایل اسکی همراه داری؟

Do you have skis?



کفش اسکی همراه داری؟

Do you have ski boots?



49 [جیل و نه]

ورزش



49 [forty-nine]

Sports



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

تمرين می کنم؟ Do you exercise?

بله، من باید تمرين داشته باشم.

من به باشگاه ورزشی می روم.



ما فوتبال بازی می کنیم. We play football / soccer (am.).

گاهی اوقات شنا می کنیم.

با لینکه دوچرخه سواری می کنیم.



تهر ما یک استادیوم فوتبال دارد. There is a football / soccer (am.) stadium in our city.

پک استخر یا سونا هم دارد.

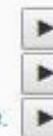
و پک زمین گلف هم اینجا هست.



تلوزیون چه برنامه ای دارد؟ What is on TV?

الآن یک بازی فوتبال در حال یخش است.

تیم آلمان در مقابل تیم انگلیس بازی می کند.



کی برنده می شود؟ Who is winning?

نهی دارم.

حالا بازی مساویست.



داور اهل بلژیک است. The referee is from Belgium.

الآن یتلقی تد.

گل! یک بر هیچ.



50 [پنجاه]

در استخر شنا



50 [fifty]

In the swimming pool

◀ شان دالن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

امروز هوا خیلی گرم است.

نظرت چیست که به استخر برویم؟

دومت داری برویم نه؟

Do you have a towel?

Do you have swimming trunks?

Do you have a bathing suit?

Can you swim?

Can you dive?

می توانی ترجمه بنمی؟

Where is the shower?

Where is the changing room?

عینک شنا کجاست؟

آب استخر عمیق است؟

آب تمیز است؟

آب گرم است؟

من دارم بخ میزنم.

آب زیادی سرد است.

من دارم از آب خارج می شوم.

51 [پنجاه و یک]

خرید



51 [fifty-one]

Running errands



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I want to go to the library.

I want to go to the bookstore.

I want to go to the newspaper stand.

I want to borrow a book.

I want to buy a book.

I want to buy a newspaper.

I want to go to the library to borrow a book.

I want to go to the bookstore to buy a book.

I want to go to the kiosk / newspaper stand to buy a newspaper.

I want to go to the optician.

I want to go to the supermarket.

I want to go to the bakery.

I want to buy some glasses.

I want to buy fruit and vegetables.

I want to buy rolls and bread.

I want to go to the optician to buy glasses.

I want to go to the supermarket to buy fruit and vegetables.

I want to go to the baker to buy rolls and bread.

52 [پنجاه و دو]

در فروشگاه



52 [fifty-two]

In the department store



شنان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Shall we go to the department store?

I have to go shopping.

I want to do a lot of shopping.



قسمت لوازم اداری کجا است؟ Where are the office supplies?

I need envelopes and stationery.

I need pens and markers.



قسمت میل ها کجاست؟ Where is the furniture?

I need a cupboard and a chest of drawers.

I need a desk and a bookshelf.



قسمت اسباب بازیها کجاست؟ Where are the toys?

I need a doll and a teddy bear.

I need a football and a chess board.



قسمت ابزار آلات کجا است؟ Where are the tools?

I need a hammer and a pair of pliers.

I need a drill and a screwdriver.



قسمت جواهرات کجاست؟ Where is the jewellery / jewelry (am.) department?

I need a chain and a bracelet.

I need a ring and earrings.



53 [پنجاه و سه]

معازه‌ها



53 [fifty-three]

Shops



نشان دادن و پنهان ▶ با کلپک بر روی من

ما نبایل يك فروشگاه ورزشی می‌گردیم.

ما نبایل يك قصابی می‌گردیم.

ما نبایل يك داروخانه می‌گردیم.



جون می‌خواهیم توب فوتبال بخریم.

جون می‌خواهیم کالباس (سالمی) بخریم.

جون می‌خواهیم دارو بخریم.



نبایل فروشگاه ورزشی می‌گردیم تا توب فوتبال بخریم.

نبایل قصابی می‌گردیم تا کالباس (سالمی) بخریم.

نبایل داروخانه می‌گردیم تا دارو بخریم.



من نبایل يك جواهر فروشی می‌گزدم.

من نبایل يك مغازه تجهیزات عکاسی می‌گزدم.

من نبایل يك قنادی می‌گزدم.



I من قصد دارم يك حلقه بخرم.

I من قصد دارم يك حلقه فیلم بخرم.

I من قصد دارم يك کیک بخرم.



من نبایل يك جواهر فروشی می‌گزدم تا حلقه بخرم.

من نبایل يك عکاسی هست تا يك حلقه فیلم بخرم.

من نبایل يك قنادی می‌گردم تا کیک بخرم.



[پنجاه و چهار] 54

خرید



54 [fifty-four]

Shopping

نیان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I want to buy a present.

اما زیاد گران نباشد.

But nothing too expensive.

شاید یک کیفستی؟

چه رنگی دوست دارید؟

Black, brown or white?

A large one or a small one?

میتوانم این یکی را ببینم؟

Is it made of leather?

یا از جنس پلاستیک است؟

قطعاً چرمی است.

This is very good quality.

و قیمت این کیفستی واقعاً مناسب است.

I like it.

اُن یکی را برمی‌دارم.

شاید بخواهم آن را عوض کنم، امکان دارد؟

بله، مسلماً.

We'll gift wrap it.

آن روی رو صندوق پرداخت است.

55 [پنجم و پنج

کار



55 [fifty-five] ►

Working ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

شغل شما چیست؟ What do you do for a living?

تو هر من پزشک است. My husband is a doctor.

من نیمه وقت به عنوان پرستار کار می کنم. I work as a nurse part-time.

به زودی حقوق بازنشستگی ما برداخت می شود. We will soon receive our pension.

اما مالیات ها زیاد هستند. But taxes are high.

و بیمه درمانی بالا (زیاد) است. And health insurance is expensive.

تو می خواهی جگاره بشوی؟ What would you like to become some day?

من می خواهم مهندس بشوم. I would like to become an engineer.

من می خواهم به دانشگاه بروم. I want to go to college.

من کارآموز هنم. I am an intern.

در آمدم زیاد نیست. I do not earn much.

من خارج از کشور کارآموزی می کنم. I am doing an internship abroad.

این رئیس من است. That is my boss.

من همکارهای مهربانی (خوبی) دارم. I have nice colleagues.

غیرها همیشه به سلف اداره می رویم. We always go to the cafeteria at noon.

من به دنبال کار هنم. I am looking for a job.

۱۰ سال است که بیکارم. I have already been unemployed for a year.

در این کشور بیکار زیاد است. There are too many unemployed people in this country.

[ینجاه و شش] 56

احساسات



56 [fifty-six] ►

Feelings ►

◀ شش دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

تمیل به انجام کاری داشتن to feel like / want to

ما تمیل به انجام کاری داریم. We feel like. / We want to.

ما نتمیل به انجام کاری نداریم. We don't feel like. / We don't want to.



ترس داشتن to be afraid

من می‌ترسم. I'm afraid.

من نمی‌ترسم. I am not afraid.



وقت داشتن to have time

او (مرد) وقت دارد. He has time.

او (مرد) وقت ندارد. He has no time.



بی حوصله بودن to be bored

او (زن) بی حوصله است. She is bored.

او (زن) حوصله دارد. She is not bored.



گرسنه بودن to be hungry

تما گرسنه هستید؟ Are you hungry?

تما گرسنه نیستید؟ Aren't you hungry?



تکنه بودن to be thirsty

آنها تکنه هستند. They are thirsty.

آنها تکنه نیستند. They are not thirsty.





شنان دارم و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I have a doctor's appointment.

I have the appointment at ten o'clock.

اسم شما چیست؟ What is your name?

لطفاً در اتاق انتظار تشریف داشته باشید.

The doctor is on his way.

بیمه کجا هستید؟ What insurance company do you belong to?

چکار می‌توانم برای شما نجات دهم؟ What can I do for you?

درد دارید؟ Do you have any pain?

کجا درد می‌کند؟ Where does it hurt?

من همیشه کمر درد دارم.

من اغلب سردرد دارم.

من گاهی اوقات شکم درد دارم.

لطفاً لباس بالاتر خود را در بیاورید!

لطفاً روی تخت دراز بکشید!

فشارخون شما خوب است.

من یک آمپول برایان می‌نویسم.

من برایان قرص می‌نویسم.

من یک نسخه برای داروخانه به شما می‌دهم.

58 [ینجاد و هشت]

اعضای بدن



58 [fifty-eight] ▶

Parts of the body ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

امن یک مرد می‌کشم.

اول سر.

این مرد یک کلاه بر سر نارد.



موها را نمی‌بینند.

One cannot see the hair.

گوشها را هم نمی‌بینند.

One cannot see the ears either.

کمر را هم نمی‌بینند.

One cannot see his back either.



امن چشم ها و دهان را می‌کشم.

آن مرد می‌رقصد و می‌خندد.

آن مرد بینی دن ازی دارد.



او یک عصا در دستهایش دارد.

او یک شال گردید هم دور گردید.

آن مرد بینی دن ازی دارد.



بازوها قوی هستند.

باها هم قوی هستند.

این مرد از برف درست شده است.



او شلوار یا پالتو نیوسته است.

اما سرمهش نیست (نمی‌لرزد).

او یک آدم برفی است.





◀ شان داون و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Where is the nearest post office?



Is the post office far from here?



Where is the nearest mail box?



I need a couple of stamps.



For a card and a letter.



How much is the postage to America?



How heavy is the package?



Can I send it by air mail?



How long will it take to get there?



Where can I make a call?



Where is the nearest telephone booth?



Do you have calling cards?



Do you have a telephone directory?



Do you know the area code for Austria?



One moment, I'll look it up.



The line is always busy.



Which number did you dial?



You have to dial a zero first!



[تصت] 60

در بانک



60 [sixty]

At the bank



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی هنر

امی خواهم حساب باز کنم. I would like to open an account.

این پاسپورت من است. Here is my passport.

و این آدرس من است. And here is my address.



امی خواهم بول به حساب واریز کنم. I want to deposit money in my account.

امی خواهم از حساب بول برداشت کنم. I want to withdraw money from my account.

امی خواهم موجودی حساب را بگیرم. I want to pick up the bank statements.



امی خواهم پک چک مسافرتی را نقد کنم. I want to cash a traveller's cheque / traveler's check (am.).

مبلغ کامزد چقدر است؟ What are the fees?

کجا را باید امضا کنم؟ Where should I sign?



من منتظر یک حواله بانکی از آلمان هستم. I'm expecting a transfer from Germany.

این شماره حساب است. Here is my account number.

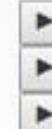
بول رسیده است؟ Has the money arrived?



امی خواهم این بول را به ارز دیگری تبدیل کنم. I want to change money.

امن دلار آمریکا لازم دارم. I need US-Dollars.

لطفاً اسکناس های ریز به من بدهید. Could you please give me small notes / bills (am.)?



آیا اینجا سئنگاه عابر بانک دارد؟ Is there a cashpoint / an ATM (am.)?

چقدر بول می شود برداشت کرد؟ How much money can one withdraw?

از چه کارت های اعتباری می شود استفاده کرد؟ Which credit cards can one use?



61 [شصت و یک]

اعداد ترتیبی



61 [sixty-one]



Ordinal numbers



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

اولین ماه را تهیه است. The first month is January.



دومین ماه فوریه است. The second month is February.



سومین ماه مارس است. The third month is March.



چهارمین ماه آوریل است. The fourth month is April.



پنجمین ماه می است. The fifth month is May.



ششمین ماه ژوئن است. The sixth month is June.



هر شش ماه، نیم سال است. Six months make half a year.



اولیه، فوریه، مارس،



آوریل، می، ژوئن.



ماه هفتم ژوئیه است. The seventh month is July.



ماه هشتم آگوست است. The eighth month is August.



ماه نهم سپتامبر است. The ninth month is September.



ماه دهم اکتبر است. The tenth month is October.



ماه پازدهم نوامبر است. The eleventh month is November.



ماه دوازدهم دسامبر است. The twelfth month is December.



هر دوازده ماه، یک سال است.



ژوئیه، آگوست، سپتامبر،



اکتبر، نوامبر، دسامبر.



62 [تیصت و دو]

سوال کردن 1



62 [sixty-two]

Asking questions 1



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

پاد گرفتن، درس خواندن to learn

دانش آموزان زیاد درس می خوانند؟ Do the students learn a lot?

نه، آنها زیاد درس نمی خوانند. No, they learn a little.



سوال کردن to ask

شما از معلم زیاد سوال می کنید؟ Do you often ask the teacher questions?

نه، من از او (مرد) زیاد سوال نمی کنم. No, I don't ask him questions often.



جواب دادن to reply

لطفاً جواب دهید. Please reply.

من جواب می دهم. I reply.



کار کردن to work

او (مرد) الان کار می کند؟ Is he working right now?

بله، او (مرد) الان کار می کند. Yes, he is working right now.



آمدن to come

شما می آید؟ Are you coming?

بله، ما الان می آییم. Yes, we are coming soon.



زنگی (آهست) کردن to live

شما در برلین زنگی می کنید؟ Do you live in Berlin?

بله من در برلین زنگی می کنم. Yes, I live in Berlin.



[تচت و سه] 63

سوال کردن 2



63 [sixty-three]

Asking questions 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I have a hobby.

I play tennis.

Where is the tennis court?



آپا تو یک سرگرمی (کار تفریحی) داری؟

I play football / soccer (am.).

Where is the football / soccer (am.) field?



بازویم درد می‌کند.

دست و پایم هم درد می‌کنند.

دکتر کجاست؟



من یک خودرو دارم.

I also have a motorcycle.

یارکینگ کجاست؟



من یک پلور دارم.

من یک کاپشن و یک شلوار جین هم دارم.

ماشین لباسشویی کجاست؟



من یک بشقاب دارم.

من یک کارد، یک چندگان و یک فاشق دارم.

نمک و فلفل کجاست؟



64 [تیصت و جهار]

منفی کردن 1



64 [sixty-four] ▶

Negation 1 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I don't understand the word.



I don't understand the sentence.



I don't understand the meaning.



معلم the teacher



Do you understand the teacher?



Yes, I understand him well.



خاتم معلم the teacher



Do you understand the teacher?



Yes, I understand her well.



مردم the people



Do you understand the people?



No, I don't understand them so well.



دوست دختر the girlfriend



Do you have a girlfriend?



Yes, I do.



دختر (فرزند) the daughter



Do you have a daughter?



No, I don't.



65 [تصنیع و پنج]

منفی کردن 2



- yes
 no
 maybe

65 [sixty-five] ►

Negation 2 ►

◀ نشنان دالن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Is the ring expensive?



نه، قیمت این حلقه فقط صد یورو است.

اما من فقط ینچه بورو دارم.

تو کارت تمام شد؟ Are you finished?



نه، هنوز نه.

اما جند لحظه‌ی دیگر تمام می‌شود.

باز هم سوپ می‌خوای؟ Do you want some more soup?



نه، دیگر نمی‌خواهم.

اما یک بستنی می‌خواهم.

خیلی وقت است که اینجا زندگی می‌کنی؟ Have you lived here long?



نه، تازه یک ماه است.

اما با خیلی از مردم آشنا شدم.

فردا می‌روی (با مائتین) خانه؟ Are you driving home tomorrow?



نه، آخر هفته می‌روم.

اما من یکتبه بین می‌گردم.

Is your daughter an adult?



نه، او تازه هفده سالش است.

اما او الان یک دوست یسی دارد.

66 [تیکت و تیکت]

ضمائر ملکی 1



66 [sixty-six]

Possessive pronouns 1



◀ نشان دالن و پنهان ▼ با کلیدک بر روی من

ا من - مال من



I من کلیدم را بینا نهی کنم.



I من بلیط اتوبوسم را بینا نهی کنم.



تو - مال تو you - your

Have you found your key?



Have you found your ticket?



او (مرد) - مال او he - his

Do you know where his key is?



Do you know where his ticket is?



او (زن) - مال او she - her

Her money is gone.



And her credit card is also gone.



ما - مال ما we - our

پدر بزرگمان مريض است.



Our grandfather is ill.



مادر بزرگمان سالم است.



شما (جمع) - مال شما you - your

Children, where is your father?



Children, where is your mother?



67 [ست و هفت]

ضمائر ملکی 2



67 [sixty-seven]

Possessive pronouns 2

◀ تشن دالن و پنهان ▼ با کلیک بر روی هنر عینک the glasses

او (مرد) عینکش را فراموش کرده است.

Where has he left his glasses?



ساعت the clock

او (مرد) خراب است.

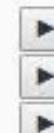
The clock hangs on the wall.



پاسپورت the passport

او (مرد) پاسپورتش را اگم کرده است.

Where is his passport then?



آنها مال آنها they – their

بچه های توالتند والدین خود را پیدا نکنند.

Here come their parents!



تما (مخاطب مرد) – مال تما you – your

آقای مولر، مسافرتان چگونه بود؟

Where is your wife, Mr. Miller?



تما (مخاطب هونت) – مال تما you – your

خاتم اسمیت، سفرتان جطور بود؟

Where is your husband, Mrs. Smith?



بزرگ - کوچک



big - small

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

big and small

قیل بزرگ است.

موس کوچک است.



دریک و روشن

شب تاریک است.

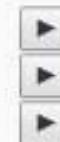
روز روشن است.



پیر و جوان

پدر بزرگمان خلی پیر است.

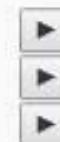
70 سال پیش او هم جوان بود.



زیبا و زیست

برونهه زیبات.

عنکبوت زیست است.



چاق و لاغر

پک زن به وزن 100 کیلو، چاق است.

پک مرد به وزن 50 کیلو، لاغر است.



گران و ارزان

اتومبیل گران است.

روزنامه ارزان است.



[تصویر و نهاد] 69

لازم داشتن - خواستن



69 [sixty-nine]

to need – to want to



◀ نشان دلان و پنهان ▼ يا کلیک بر روی هن

I need a bed.



I want to sleep.



اينجا تخت خواب هست؟



I need a lamp.



I want to read.



اينجا جراج (مطالعه) هست؟



I need a telephone.



I want to make a call.



اينجا تلفن هست؟



I need a camera.



I want to take photographs.



اينجا دوربین هست؟



I need a computer.



I want to send an email.



اينجا کامپیووتر هست؟



I need a pen.



I want to write something.



اينجا يك ورق و خودکار هست؟



[هفتاد] 70

چیزی خواستن



70 [seventy]

to like something



◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

می خواهد سیگار بکشد؟ Would you like to smoke?



می خواهد رقصید؟ Would you like to dance?



می خواهد پیاده روی کند؟ Would you like to go for a walk?



I من می خواهم سیگار بکشم.



یک نخ سیگار می خواهی؟ Would you like a cigarette?



او آتش (فندک) می خواهد.



I من می خواهم چیزی بنوشم.



I من می خواهم چیزی بخورم.



I من می خواهم کمی استراحت کنم.



I من می خواهم از شما چیزی بيرسم.



I من می خواهم از شما تقدیسای چیزی کنم.



I من می خواهم شمارا به چیزی دعوت کنم.



شما چی می خواهید (چی میل دارید)? What would you like?



یک قهوه می خواهید؟ Would you like a coffee?



یا اینکه نر جیجا یک چای می خواهید؟ Or do you prefer a tea?



ما می خواهیم با ماشین به خانه برویم.



شما تاکسی می خواهید؟ Do you want a taxi?



آنها می خواهند تلفن کنند.



71 [هفتاد و یک]

چیزی خواستن



71 [seventy-one]

to want something



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

چه می خواهد؟ What do you want to do?



می خواهد فوتبال بازی کنید؟ Do you want to play football / soccer (am.)?

می خواهد بروید دوستان را ببیند؟ Do you want to visit friends?

خواستن to want

من نمی خواهم نیز برسم. I don't want to arrive late.



من نمی خواهم آنجا بروم. I don't want to go there.

من می خواهم به خانه بروم. I want to go home.



من می خواهم در خانه بمانم. I want to stay at home.

من می خواهم تنها باشم. I want to be alone.

می خواهی اینجا بمانی؟ Do you want to stay here?



می خواهی اینجا غذا بخوری؟ Do you want to eat here?

می خواهی اینجا بخوابی؟ Do you want to sleep here?

می خواهد فردا راه بینند (با ماتین)؟ Do you want to leave tomorrow?



می خواهد تا فردا بماند؟ Do you want to stay till tomorrow?

می خواهد صورت حساب را فردا بردخت نماید؟ Do you want to pay the bill only tomorrow?

می خواهد به نیسکو بروید؟ Do you want to go to the disco?



می خواهد به سینما بروید؟ Do you want to go to the cinema?

می خواهد به کافه بروید؟ Do you want to go to a café?

72 [هفتادویو]

باید کاری را انجام دان



72 [seventy-two]

to have to do something / must



شن دلن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

پارسی must

I must post the letter.
من باید نامه را پرسنم.



I must pay the hotel.
من باید هتل را پرداخت کم.



تو باید زود از خواب بله شوی.
You must get up early.



You must work a lot.
تو باید خیلی کار کنی.



You must be punctual.
تو باید وقت شناس داشتی.

او باید بنزین بزند (در باک بنزین بزند).
He must fuel / get petrol / get gas (am.).



او باید ماشین را تعمیر کند.
He must repair the car.



او باید ماشین را بشوید.
He must wash the car.



او (مونت) باید خرید کند.
She must shop.



او (مونت) باید آپارتمان را تعمیر کند.
She must clean the apartment.



او (مونت) باید لباسها را بشوید.
She must wash the clothes.



ما باید چند لحظه‌ی دیگر به مدرسه برویم.
We must go to school at once.



ما باید چند لحظه‌ی دیگر سر کار برویم.
We must go to work at once.



ما باید چند لحظه‌ی دیگر بیش نکر برویم.
We must go to the doctor at once.



تما باید منتظر اتوبوس باتشید.
You must wait for the bus.



تما باید منتظر قطار باتشید.
You must wait for the train.



تما باید منتظر تاکسی باتشید.
You must wait for the taxi.

اجازه داشتن برای انجام کاری / مجاز به انجام کاری بودن

**to be allowed to**

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

تو اجازه داری رانندگی کنی؟ Are you already allowed to drive?



تو اجازه داری الکل بنوشی؟ Are you already allowed to drink alcohol?



تو اجازه داری تنها به خارج سفر کنی؟ Are you already allowed to travel abroad alone?



اجازه داشتن may / to be allowed



اجازه هست اینجا سیگار بکشم؟ May we smoke here?



اينجا سیگار کشیدن مجاز است؟ Is smoking allowed here?



می تند با کارت اعتباری پرداخت کرد؟ May one pay by credit card?



می تند با چک پرداخت کرد؟ May one pay by cheque / check (am.)?



می تند فقط نقد پرداخت کرد؟ May one only pay in cash?



می توانم یک لحظه تلفن بزنم؟ May I just make a call?



می توانم یک لحظه چیزی بیرسم؟ May I just ask something?



می توانم یک لحظه چیزی بگویم؟ May I just say something?



او (مرد) اجازه ندارد در پارک بخوابد.



او (مرد) اجازه ندارد در خودرو بخوابد.



او (مرد) اجازه ندارد در ایستگاه قطار بخوابد.



اجازه داریم بنشیم؟ May we take a seat?



می توانیم لیست غذا را داشته باشیم؟ May we have the menu?



می توانیم جدا پرداخت کنیم؟ May we pay separately?





◀ شن دان و پهان ▼ با کلیک بر روی من

اسکان دارد موهای مرا کوتاه کنید؟ Can you cut my hair?

لطفاً خیلی کوتاه نشود. Not too short, please.

لطفاً کمی کوتاه‌تر. A bit shorter, please.



ممکن است این عکسها را ظاهر کنید؟ Can you develop the pictures?

عکسها روی سی دی هستند. The pictures are on the CD.

عکس ها روی دوربین هستند. The pictures are in the camera.



ممکن است این ساعت را تعمیر کنید؟ Can you fix the clock?

تریه تکنه است. The glass is broken.

باتری خالی است. The battery is dead / empty.



ممکن است این پیراهن را آتو کنید؟ Can you iron the shirt?

ممکن است این شلوار را تمیز کنید؟ Can you clean the pants / trousers?

ممکن است این کفش را تعمیر کنید؟ Can you fix the shoes?



ممکن است به من پک فندک (آتش) بدهد؟ Do you have a light?

تما کبریت با فندک دارید؟ Do you have a match or a lighter?

تما زیرسیگاری دارید؟ Do you have an ashtray?



تما سیگار برگ می‌کنید؟ Do you smoke cigars?

تما سیگار می‌کنید؟ Do you smoke cigarettes?

تما پیپ می‌کنید؟ Do you smoke a pipe?





◀ نشان دلان و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

چرا شما نمی آید؟ Why aren't you coming?

هوا خوبی بد است. The weather is so bad.

I من نمی آمیم چون هوا خوبی بد است. I am not coming because the weather is so bad.



چرا او (مرد) نمی آید؟ Why isn't he coming?

او (مرد) را دعوت نکرده اند. He isn't invited.

او نمی آید چون او را دعوت نکرده اند. He isn't coming because he isn't invited.



چرا تو نمی آیی؟ Why aren't you coming?

I من وقت ندارم.

I من نمی آمیم چون وقت ندارم. I am not coming because I have no time.



چرا اقحو نمی همانی؟ Why don't you stay?

I من هنوز کار ندارم.

I من نمی همانم چون هنوز کار ندارم. I am not staying because I still have to work.



چرا حالا می بروید؟ Why are you going already?

I من خسته هستم.

I من می بروم چون خسته هستم. I'm going because I'm tired.



چرا حالا (با ماتین) می بروید؟ Why are you going already?

It is already late.

I من می بروم چون بیگر نیسته ام. I'm going because it is already late.



76 [هفتاد و شصت]

دلیل آوردن برای چیزی 2



76 [seventy-six] ►

giving reasons 2 ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Why didn't you come?

I was ill.

I didn't come because I was ill.



Why didn't she come?

She was tired.

She didn't come because she was tired.



Why didn't he come?

He wasn't interested.

He didn't come because he wasn't interested.



Why didn't you come?

Our car is damaged.

We didn't come because our car is damaged.



Why didn't the people come?

They missed the train.

They didn't come because they missed the train.



Why didn't you come?

I was not allowed to.

I didn't come because I was not allowed to.





◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

جراء کیک را نمی خورید؟ Why aren't you eating the cake?

من باید وزن کم کنم.

من نمی خورم چون باید وزن کم کنم. I'm not eating it because I must lose weight.



جراء آبجو را نمی نوشید؟ Why aren't you drinking the beer?

چون باید رانندگی کنم.

من آن را نمی نوشم چون باید رانندگی کنم. I'm not drinking it because I have to drive.



جراء قهوه را نمی نوشی؟ Why aren't you drinking the coffee?

سرد شده است.

من قهوه را نمی نوشم چون سرد شده است. I'm not drinking it because it is cold.



جراء چای را نمی نوشی؟ Why aren't you drinking the tea?

من شکر ندارم.

من چای را نمی نوشم چون شکر ندارم. I'm not drinking it because I don't have any sugar.



جراء سوپ را نمی خورید؟ Why aren't you eating the soup?

من سوپ سفارش نداده ام.

من سوپ نمی خورم چون آن را سفارش نداده ام. I'm not eating it because I didn't order it.



جراء شما گوشت را نمی خورید؟ Why don't you eat the meat?

من گیاه خوار هستم.

من گوشت را نمی خورم چون گیاه خوار هستم. I'm not eating it because I am a vegetarian.



[هفتاد و هشت] 78

صفات ها ۱



78 [seventy-eight] ►

Adjectives 1 ►

نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن ◀

یک خاتم بین an old lady



یک خاتم چاق a fat lady



یک خاتم فضول (کنجکاو) a curious lady



یک خودروی تو a new car



یک خودروی پرسر عت a fast car



یک خودروی راحت a comfortable car



یک لباس آبی a blue dress



یک لباس قرمز a red dress



یک لباس سبز a green dress



یک کیف سیاه a black bag



یک کیف قهوه ای a brown bag



یک کیف سفید a white bag



مردم همراه nice people



مردم با ادب polite people



مردم جالب interesting people



بچه های نازنین (دوست داشتنی) loving children



بچه های بی ادب (بررو) cheeky children



بچه های خوب و مُذنب well behaved children



[هفتاد و نه] 79

صفت ها 2



79 [seventy-nine]

Adjectives 2

◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی من

I am wearing a blue dress.

I am wearing a red dress.

I am wearing a green dress.



I'm buying a black bag.

I'm buying a brown bag.

I'm buying a white bag.



I need a new car.

I need a fast car.

I need a comfortable car.



آن بالا یک خاتم بیرونی زندگی می‌کند.

آن بالا یک خاتم چاق زندگی می‌کند.

آن پائین یک خاتم فضول زندگی می‌کند.



مهمان های ما آدم های مهربانی (خوبی) بودند.

مهمان های ما آدم های موتبی بودند.

مهمان های ما آدم های جالبی بودند.



من بچه های نازنینی دارم.

اما همسایه ها بچه های بی ادبی دارند.

بچه هایی تمابا ادب هستند؟



80 [هشتاد]

صفت ها 3



80 [eighty]

Adjectives 3



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

او (زن) پک سگ دارد.

سگ بزرگ است.

او (زن) پک سگ بزرگ دارد.

او پک خانه دارد.

خانه کوچک است.

او (زن) پک خانه‌ی کوچک دارد.

او (مرد) در هتل زندگی می‌کند.

هتل ارزان است.

او در پک هتل ارزان اقامت دارد.

او پک خودرو دارد.

خودرو گران است.

او پک خودروی گران دارد.

او (مرد) پک رمان می‌خواند.

رمان خسته کننده است.

او (مرد) پک رمان خسته کننده می‌خواند.

او (زن) پک فیلم نهادا می‌کند.

فیلم مهیج است.

او (زن) پک فیلم مهیج نهادا می‌کند.

[هشتاد و یک] 81

زمان گفته ۱



81 [eighty-one]

Past tense ۱



◀ نوشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

نوشتن to write

او (مرد) پک نامه نوشت.

And she wrote a card.



خواندن to read

او (مرد) پک مجله خواند.

And she read a book.



گرفتن to take

او (مرد) پک سیگار برداشت.

She took a piece of chocolate.



او (مرد) بی وفا بود، اما او (زن) با وفا بود.

He was disloyal, but she was loyal.

او (مرد) تسلی بود، اما او (زن) کاری بود.

He was lazy, but she was hard-working.

او (مرد) فقیر بود، اما او (زن) ثرومند بود.



او (مرد) پول نداشت، بلکه بدهکار بود.

He had no money, only debts.

او (مرد) تحسی نداشت، بلکه بد تائنس بود.

He had no luck, only bad luck.

او (مرد) موفق نبود، بلکه شکست خورد.



او (مرد) راضی نبود، بلکه ناراضی بود.

He was not satisfied, but dissatisfied.

او (مرد) خوشحال نبود، بلکه تازاخت بود.

He was not happy, but sad.

او (مرد) دوست داشتنی نبود، بلکه ناخوشایند بود.

He was not friendly, but unfriendly.



82 [هشتاد و دو]

زمان گذشته ۲



82 [eighty-two] ▶

Past tense 2 ▶

◀ نشان دلان و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

آما مجبور بودی یک امبولانس صدا کنی؟ D- y- h- t- c- a- a—?

آما مجبور بودی یزشک را خبر کنی؟ D- y- h- t- c- t- d—?

آما مجبور بودی یلپس را خبر کنی؟ D- y- h- t- c- t- p—?



شما شماره تلفن اش را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. D- y- h- t- t— n—? | h- i- j— n—.

شما آنست را دارید؟ کا الان من آن را داشتم. D- y- h- t- a—? | h- i- j— n—.

شما نکته شهر را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. D- y- h- t- c- m—? | h- i- j— n—.



او (مرد) سر وقت آمد؟ او (مرد) نتوانست سر وقت بپارد. D- h- c— o- t—? H- c— n— c— o- t—.

او (مرد) راه را بیدا کرد؟ او (مرد) نتوانست راه را بینا کند. D- h- f— t- w—? H- c— n— f— t- w—.

او (مرد) حرف تو را متوجه شد؟ او (مرد) نتوانست حرف مرا بنهمد. D- h- u— y—? H- c— n— u— m—.



W- c— y— n— c— o- t—? جرا تو نتوانستی به موقع بیایی؟

W- c— y— n— f— t— w—? جرا تو نتوانستی راه را بینا کنی؟

W- c— y— n— u— h—? جرا تو نتوانستی حرف هایش را بفهمی؟



امن نتوانستم موقع ببیشم چون هیچ توبوسی حرکت نمی کرد.

امن نتوانستم راه را بینا کنم چون نکته شهر را نداشتم.

امن حرفش را نفهمیدم چون صدای آهنگ بلند بود.



| h- t- t— a t—. امن مجبور بونم تاکی سوار شوم.

| h- t- b— a c— m—. امن مجبور بونم نکته شهر بخرم.

| h- t- s— o— t— r—. امن مجبور بونم رادیو را خاموش کنم.



83 [هشتاد و سه]

زمان گفته شده ۳



83 [eighty-three] ►

Past tense 3 ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

تلفن زدن to make a call

I made a call.

I was talking on the phone all the time.



سوال کردن to ask

I asked.

I always asked.



تعریف کردن to narrate

I narrated.

I narrated the whole story.



یاد گرفتن to study

I studied.

I studied the whole evening.



کار کردن to work

I worked.

I worked all day long.



غذا خوردن to eat

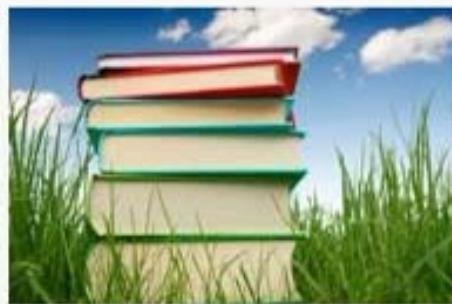
I ate.

I ate all the food.



84 [هشتاد و چهار]

زمان گفتشته 4



84 [eighty-four]

Past tense 4



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

خواندن to read

من خوانده ام.

I read the whole novel.



فهمیدن to understand

من فهمیده ام.

I understood the whole text.



پاسخ دادن to answer

من پاسخ داده ام.

I answered all the questions.



من آن را می داشتم – من آن را می دانستم.

من آن را می نویسم – من آن را نوشته ام.

من آن را می شنوم – من آن را شنیده ام.



من آن را می گیرم – من آن را گرفته ام.

من آن را می آورم – من آن را آورده ام.

من آن را می خرم – من آن را خریده ام.



من منتظر آن هستم – من منتظر آن بوده ام.

من آن را توضیح می دهم – من آن را توضیح داده ام.

من آن را می شناسم – من آن را می شناختم.



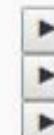


◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

شما چقدر نوشیده اید؟ How much did you drink?

شما چقدر کار کرده اید؟ How much did you work?

شما چقدر نوشته اید؟ How much did you write?



86 [هشتاد و شش]

سوال کردن - زمان گذشته ۲



86 [eighty-six]



Questions – Past tense 2



تشریف داشتن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

تو کدام کراوات را زده بودی؟ Which tie did you wear?



تو کدام خودرو را خریده بودی؟ Which car did you buy?



تو اشتراک کدام روزنامه را آگرفته بودی؟ Which newspaper did you subscribe to?



شما چه کسی را دیده اید؟ Who did you see?



شما با کی ملاقات کرده اید؟ Who did you meet?



شما چه کسی را شناخته اید؟ Who did you recognize?



شما کی از خواب بیلد شده اید؟ When did you get up?



شما کی شروع کرده اید؟ When did you start?



شما کی کار را متوقف کرده اید؟ When did you finish?



شما جرا بیدار شده اید؟ Why did you wake up?



چرا شما معلم شده اید؟ Why did you become a teacher?



چرا شما سوار تاکسی شده اید؟ Why did you take a taxi?



شما از کجا آمدید؟ Where did you come from?



شما به کجا رفته اید؟ Where did you go?



کجا بودید؟ Where were you?



تو به کی کمک کرده اید؟ Who did you help?



تو به کی نویش نوشته اید؟ Who did you write to?



تو به کی جواب داده اید؟ Who did you reply to?



[هشتاد و هفت] 87

زمان گذشته‌ی افعال معین ۱



87 [eighty-seven]

Past tense of modal verbs 1



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلپک بر روی متن

ما باید به گلهای آب می‌دادیم.
We had to water the flowers.



ما باید آپارتمان را تمیز می‌کردیم.
We had to clean the apartment.



ما باید ظرفها را می‌شستیم.
We had to wash the dishes.

آیا شما مجبور بودید صورت حساب را پرداخت کنید؟ Did you have to pay the bill?



آیا شما مجبور بودید ورودی را پرداخت کنید؟ Did you have to pay an entrance fee?



آیا شما مجبور بودید جریمه را پرداخت کنید؟ Did you have to pay a fine?

کی باید خداحافظی می‌کرد؟ Who had to say goodbye?



کی باید زود به خانه می‌رفت؟ Who had to go home early?



کی باید با قطار می‌رفت؟ Who had to take the train?

ما نمی‌خواستیم زیاد بمانیم.
We did not want to stay long.



ما نمی‌خواستیم چیزی بنوشیم.
We did not want to drink anything.



ما نمی‌خواستیم مراحم بشویم.
We did not want to disturb you.

| من فقط می‌خواستم تلفن کنم.
I just wanted to make a call.



| من می‌خواستم تاکسی سفارش بدم.
I just wanted to call a taxi.



چون می‌خواستم به خانه بروم.
Actually I wanted to drive home.

| من فکر کردم تو می‌خواستی به همسرت تلفن کنی.
I thought you wanted to call your wife.



| من فکر کردم تو می‌خواستی به اطلاعات تلفن کنی.
I thought you wanted to call information.



| من فکر کردم تو می‌خواستی بیتزا سفارش بدهی.
I thought you wanted to order a pizza.

88 [هشتاد و هشت]

زمان گذشته‌ی افعال معین 2



88 [eighty-eight]

Past tense of modal verbs 2



◀ تشنن نادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن My son did not want to play with the doll.

دخلترم نمی‌خواست با عروسک بازی کند.

My daughter did not want to play football / soccer (am.).

همسرم نمی‌خواست با من شطرنج بازی کند.



بوجههای نمی‌خواستند به پیله رفته باشند.

They did not want to tidy the room.

آنها نمی‌خواستند به رختخواب بروند.



او (مرد) اجازه نداشت بستن بخورد.

He was not allowed to eat ice cream.

او (مرد) اجازه نداشت شکلات بخورد.

He was not allowed to eat chocolate.

او (مرد) اجازه نداشت آب نبات بخورد.

He was not allowed to eat sweets.



I من اجازه داشتم (برای خودم) آرزویی بکنم.

I was allowed to make a wish.

I من اجازه داشتم برای خودم لباس بخرم.

I was allowed to buy myself a dress.

I من اجازه داشتم یک شکلات مغزدار بردارم.



اجازه داشتی در هواپیما سیگار بکشی؟

Were you allowed to smoke in the airplane?

اجازه داشتی در بیمارستان آبجو بنوشی؟

Were you allowed to drink beer in the hospital?

اجازه داشتی سگ را با خودت به هتل ببری؟



بوجههای در تعطیلات اجازه داشتند مدت زیادی بیرون باشند.

They were allowed to play in the yard for a long time.

آنها اجازه داشتند مدت زیادی در حیاط بازی کنند.

They were allowed to stay up late.

[هشتاد و نه] 89

امری 1



89 [eighty-nine]

Imperative 1



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

تو خیلی تبلی - اینقدر تبل نباش!

You are so lazy – don't be so lazy!

تو خیلی می خوابی - اینقدر نخواب!

You sleep for so long – don't sleep so late!

تو خیلی دیر می آیی - اینقدر دیر نبا!

تو خیلی بلند می خنده - اینقدر بلند نخندا!

You laugh so loudly – don't laugh so loudly!

تو آهته حرف می زنی - اینقدر آهته حرف نزن!

You speak so softly – don't speak so softly!

تو خیلی (مشروب) می نوشی - اینقدر نتوش!

تو خیلی سیگار می کنی - اینقدر سیگار نکن!

You smoke too much – don't smoke so much!

تو خیلی کار می کنی - اینقدر کار نکن!

تو خیلی تند راننگی می کنی - اینقدر تند نران!

آقای مولر، بلند شوید!

آقای مولر، بنشینید!

آقای مولر، سر جای خود بنشینید!



صبور باشید!

Be patient!

از وقتان استفاده کنید (عجله نکنید)!

Take your time!

پک لحظه صبر کنید!

Wait a moment!

مواظب باشید!

Be careful!

وقت شناس باشید!

Be punctual!

احمق نباشید!

Don't be stupid!

90 [نود]

امری 2



90 [ninety]

Imperative 2



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیپک بر روی هنن

صورتک را بتراش (ریتک را بزن)!



خودت را بشوی (تمیز کن)!



موهایت را شله بزن!



تلفن کن! شما تلفن کنید!



شروع کن! شما شروع کنید!



س کن! شما س کنید!



راه کن! شماره راه کنید!



بگو! شما بگویید!



یخری! شما یخربیش!



هیچ وقت منتقلب نباش!



هیچ وقت گستاخ نباش!



هیچ وقت بی ادب نباش!



همیشه صادق باش!



همیشه مهربان باش!



همیشه مؤذن باش!



به سلامت به خانه برسد!



خوب موافق خودتان باشید!



به زودی باز به دیدن ما بیایید!



[نود و یک] 91

جملات وایسته با "که" 1



[ninety-one] 91

Subordinate clauses: that 1



◀ تنان دانن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Perhaps the weather will get better tomorrow.



How do you know that?



I hope that it gets better.



او (مرد) قطعاً می‌آید.



Are you sure?



I know that he'll come.



او (مرد) قطعاً تلفن می‌کند.



Really?



I believe that he'll call.



این تراب حتماً قدیمی است.



Do you know that for sure?



I think that it is old.

رئیس ما خوش تیپ است.



Do you think so?



I find him very handsome.

رئیس حتماً یک دختر دارد.



Do you really think so?



خیلی احتمال دارد که او دختر داشته باشد.

[نود و نو] 92

جملات وایسته با "که" 2



92 [ninety-two]

Subordinate clauses: that 2



◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

اینکه خرویف می‌کنی ازیتم (ناراحتم) می‌کند.



اینکه اینقدر آجور می‌نوشی ازیتم (ناراحتم) می‌کند.



اینکه اینقدر بیرون می‌آیی ازیتم (ناراحتم) می‌کند.



من فکر می‌کنم که او احتیاج به یزشک دارد.



من فکر می‌کنم که او مریض است.



من فکر می‌کنم که او الان خوابیده است.



امیدواریم که او (مرد) با خطر ما ازدواج کند.



امیدواریم که او (مرد) بیوں زیادی داشته باشد.



امیدواریم که او (مرد) میلیونر باشد.



من شنیده ام که همسرت تصانیف گردیده است.



من شنیده ام که او در بیمارستان بستری است.



من شنیده ام که خودروی تو کاملاً داغان شده است.



خوشحال که آمدید.



خوشحال که علاقمندید.



خوشحال که می‌خواهد خانه را بخرید.



می‌ترسم که آخرین اتوبوس رفته باشد.



می‌ترسم که مجبور شویم با تاکسی برویم.



می‌ترسم که بیوں همراه نداشته باشم.



[نود و سه] 93

جملات وایسته با "آیا"



93 [ninety-three]

Subordinate clauses: if



نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I don't know if he loves me.



I don't know if he'll come back.



I don't know if he'll call me.



شاید او (مرد) مرا نوشتندارد؟



Maybe he doesn't love me?



شاید او (مرد) برنگردد؟



Maybe he won't come back?



شاید او (مرد) به من زنگ نزند؟



Maybe he won't call me?

I wonder if he thinks about me.



I wonder if he has someone else.



I wonder if he lies.



آیا او (مرد) به من فکر می‌کند؟



Maybe he thinks of me?



آیا او (مرد) فرد (زن) دیگری را دارد؟



Maybe he has someone else?



آیا او (مرد) واقعیت را می‌گوید؟



I doubt whether he really likes me.



I doubt whether he'll write to me.



I doubt whether he'll marry me.



آیا او (مرد) واقعاً من خوشن می‌آید؟



Will he write to me?



Will he marry me?



94 [نود و چهار]

حروف ربط 1



94 [ninety-four] ►

Conjunctions 1 ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

صبر کن تا باران بند بپار. Wait until the rain stops.

صبر کن تا من کارم تمام شود. Wait until I'm finished.

صبر کن تا او برگردد. Wait until he comes back.



I'll wait until my hair is dry.

I'll wait until the film is over.

I'll wait until the traffic light is green.



تو کی به مسافت می‌روی؟ When do you go on holiday?

قبل از تعطیلات تابستان؟ Before the summer holidays?

بله، قبل از اینکه تعطیلات تابستان شروع شود. Yes, before the summer holidays begin.



قبل از اینکه زمستان شروع شود، سقف را تعمیر کن. Repair the roof before the winter begins.

قبل از اینکه سر میز بنشینی، دست های را بشوی. Wash your hands before you sit at the table.

قبل از اینکه خارج شوی، پنجره را ببند. Close the window before you go out.



کی به خانه می‌آیی؟ When will you come home?

بعد از کلاس؟ After class?

بله، بعد از اینکه کلاس تمام شد. Yes, after the class is over.



بعد از اینکه او (مرد) نصاف گردید نتوانست کار کند. After he had an accident, he could not work anymore.

بعد از اینکه او (مرد) کارش را از دست داد به آمریکا رفت. After he had lost his job, he went to America.

بعد از اینکه او (مرد) به آمریکا رفت ترور شد. After he went to America, he became rich.



[نود و پنج] 95

حروف ربط 2



95 [ninety-five]

Conjunctions 2



◀ شلن داكن و پنهان ▼ با كليك بر روی متن

Since when is she no longer working?

Since her marriage?

Yes, she is no longer working since she got married.



Since she got married, she's no longer working.

Since they have met each other, they are happy.

Since they have had children, they rarely go out.



When does she call?

When driving?

Yes, when she is driving.



She calls while she drives.

She watches TV while she irons.

She listens to music while she does her work.



I can't see anything when I don't have glasses.

I can't understand anything when the music is so loud.

I can't smell anything when I have a cold.



We'll take a taxi if it rains.

We'll travel around the world if we win the lottery.

We'll start eating if he doesn't come soon.



96 [نود و شش]

حروف ربط 3



96 [ninety-six]

Conjunctions 3



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

- I من به محض اینکه ساعت زنگ بزند، بیدار می‌شوم.
I من به محض اینکه شروع به درس خواندن می‌کنم خسته می‌شوم.
I به محض اینکه به سن 60 سالگی برسم تاگر کار نمی‌کنم.



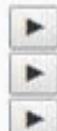
کی تلفن می‌کنید؟ When will you call?

- به محض اینکه چند لحظه فرصت پیدا کنم.
As soon as I have a moment.
او (مرد) به محض اینکه فرصت پیدا کند تلفن می‌کند.
He'll call, as soon as he has a little time.



جه مدت شما کار خواهید کرد؟ How long will you work?

- اً! از مانی که بتوانم، کار خواهم کرد.
من تازمانی که سالم باشم کار خواهم کرد.



او (مرد) به جای اینکه کار کند در رختخواب لم داده است.

- او (زن) به جای اینکه غذا بپزد روزنامه می‌خواند.
او (مرد) به جای اینکه به خانه برود در بار می‌نشیند.



اً! آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) اینجا زندگی می‌کند.

- اً! آنجا که من اطلاع دارم همسرش مریض است.
اً! آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) بیکار است.



من خواب ماندم، وگرنه به موقع می‌رسیدم.

- من به اتوبوس نرسیدم وگرنه به موقع می‌رسیدم.
من راه را پیدا نکردم (گم شدم) وگرنه به موقع می‌رسیدم.



[نود و هفت] 97

حروف ریط 4



97 [ninety-seven] ►

Conjunctions 4 ►

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

He fell asleep although the TV was on.

Ba inakeh tloobizyon roshn boud, ao (merd) khawish boud.

He stayed a while although it was late.

Ba inakeh diroufet boud, ao (merd) manti' anja manted.

He didn't come although we had made an appointment.

The TV was on. Nevertheless, he fell asleep.

It was already late. Nevertheless, he stayed a while.

We had made an appointment. Nevertheless, he didn't come.

Ba وجود inakeh gavaahi nameh e rantegi nadard, rantegi mi-kand.

Although he has no license / license (am.), he drives the car.

Ba وجود inakeh khayaban lezende ast, basrak rantegi mi-kand.

Although the road is slippery, he drives so fast.

Ba وجود inakeh mist ast, badoujeh meirood.

Although he is drunk, he rides his bicycle.

او (مرد) گواهی نامه ندارد. با وجود این او (مرد) رانندگی می کند.

Despite having no licence / license (am.), he drives the car.

خیابان لغزند است. با وجود این او (مرد) تند می راند.

Despite the road being slippery, he drives fast.

او (مرد) مست است. با وجود این با دوچرخه می رود.

Despite being drunk, he rides the bike.

Ba inakeh ao (zen) takhibil kard ast, kar yeda namii kand.

Although she went to college, she can't find a job.

Ba inakeh ao (zen) drd dard, ye nukter namii rood.

Although she is in pain, she doesn't go to the doctor.

Ba inakeh ao (zen) yowl nadard, matin meixard.

Although she has no money, she buys a car.

او (زن) تکھبیل کرد است. با وجود این کار ییدا نمی کند.

She went to college. Nevertheless, she can't find a job.

او (زن) درد دارد. با وجود این بیش نکتر نمی رود.

She is in pain. Nevertheless, she doesn't go to the doctor.

او (زن) یول ندارد. با وجود این یک خودرو می خورد.

[نود و هشت] 98

حروف ربط مضافع



98 [ninety-eight]



Double connectors



◀ شان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

اگرچه مسافت خوب بود، اما خیلی خسته کننده بود.
The journey was beautiful, but too tiring.



اگرچه قطار سر وقت آمد، اما خیلی پر بود.
The train was on time, but too full.



اگرچه هتل خوب و راحت بود، اما خیلی گران بود.
The hotel was comfortable, but too expensive.

او (مرد) یا با اتوبوس می‌رود یا با قطار.
He'll take either the bus or the train.



او (مرد) یا امتحان می‌آید یا فردا صبح.
He'll come either this evening or tomorrow morning.



او (مرد) یا یعنی ما می‌ماند یا در هن.
He's going to stay either with us or in the hotel.



او (زن) هم اسپانیولی صحبت می‌کند و هم انگلیسی.
She speaks Spanish as well as English.



او هم در مادرید زندگی کرده است و هم در لندن.
She has lived in Madrid as well as in London.



او هم اسپانیارا می‌شناسد و هم انگلیس را.
She knows Spain as well as England.



او نه تنها احمق است، بلکه تنبیل هم هست.
He is not only stupid, but also lazy.



او (زن) نه تنها زیبایی است بلکه باهوش هم هست.
She is not only pretty, but also intelligent.



او (زن) نه تنها آلمانی، بلکه فرانسوی هم صحبت می‌کند.
She speaks not only German, but also French.



I من نه می‌توانم پیانو بنوازم و نه گیتار.
I can neither play the piano nor the guitar.



I من نه می‌توانم والنس برقصم و نه سامبا.
I can neither waltz nor do the samba.



I من نه از آواز ایرا خوستم می‌آید و نه از رقص باله.
I like neither opera nor ballet.



هر چه سریعتر کار کنی، زودتر کارت تمام می‌شود.
The faster you work, the earlier you will be finished.



هر چه زودتر بیایی، زودتر هم می‌توانی بروی.
The earlier you come, the earlier you can go.



هر چه سن بالا می‌رود، احسان راحت طلبی بیشتر می‌شود.
The older one gets, the more complacent one gets.



[نود و نه] 99

حالات اضافه



99 [ninety-nine]

Genitive

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

گربه دوست دخترم my girlfriend's cat

سگ دوست پسرم my boyfriend's dog

سبله بازی بوجه‌هایم my children's toys

این بالتوی همسکار من است. This is my colleague's overcoat.

این خودروی همسکار (زن) من است. That is my colleague's car.

این کار همسکاران من است. That is my colleagues' work.

دکمه‌ی پیراهن افتاده است (گم شده است). The button from the shirt is gone.

کلید گاراژ گم شده است. The garage key is gone.

کامپیوتر رئیس خراب است. The boss' computer is not working.

والدین دختر چه کسانی هستند؟ Who are the girl's parents?

چطور به خانه ی والدین او بروم؟ How do I get to her parents' house?

خانه در لنتهای خیابان قرار دارد. The house is at the end of the road.

پایان‌نامه‌ی کدام شهر سوئیس است؟ What is the name of the capital city of Switzerland?

عنوان کتاب چیست؟ What is the title of the book?

اسم بجهه‌های همسایه چیست؟ What are the names of the neighbour's / neighbor's (am.) children?

وقایع کدام مدرسه‌ی بجهه‌ها موقوع است؟ When are the children's holidays?

وقایع کدام بیمارستان موقوع است؟ What are the doctor's consultation times?

وقایع کدام موزه موقوع است؟ What time is the museum open?

[صد] 100

قیدها



100 [one hundred]

Adverbs

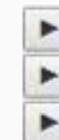


نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

تا به حال - هرگز already – not yet

آیا تا به حال در برلین بوده اید؟ Have you already been to Berlin?

نه، هرگز. No, not yet.



کسی - هیچکس someone – no one

شما اینجا کسی را می‌شناسید؟ Do you know someone here?

نه، من کسی را اینجا نمی‌شناسم. No, I don't know anyone here.



پک کم نیوگر - نه خیلی زیاد a little longer – not much longer

شما مدت بیستری اینجا می‌مانید؟ Will you stay here a little longer?

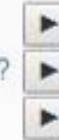
نه، من خیلی زیاد اینجا نمی‌مانم. No, I won't stay here much longer.



چیز دیگری - هیچ چیز دیگر something else – nothing else

می‌خواهد چیز دیگری بنویسید Would you like to drink something else?

نه، دیگر چیزی نمی‌خواهم. No, I don't want anything else.



قبل اینزی - هنوز هیچ چیز something already – nothing yet

شما اینزی خورده اید؟ Have you already eaten something?

نه، هنوز اینزی نخورده‌ام. No, I haven't eaten anything yet.



کس دیگری - هیچکس دیگر someone else – no one else

کس دیگری فروه می‌خواهد؟ Does anyone else want a coffee?

نه، هیچ کسی نمی‌خواهد. No, no one else.

